



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

صفحات: ۳۹-۵۸

doi: 10.52547/mmi.1170.14020718

مجموعه‌های معماری ساخته شده بر اساس الگوی جلوخان در دوران تیموریان، شیبانیان و اشترخانیان از یک (نمونه‌های مطالعاتی: سلطان سعادت، آنو و چهاربکر)

شاهین گرکانی دشته*

چکیده

جلوخان به محوطه‌ای گشاده در مقابل سردر ابنیه گفته می‌شود که استفاده از آن از عهد صفوی تا دوره معاصر بسیار فراگیر بوده است. اما شکل‌گیری و تحول الگوی جلوخان را نمی‌توان تنها منحصر به این دوران دانست. چراکه شواهد و نمونه‌های برجای مانده از عهد تیموری، گویای حضور این الگو در معماری این دوره نیز بوده است. پیروی از الگوی جلوخان در ساخت مجموعه‌های معماری در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ پس از دوره تیموریان در عصر شیبانیان و اشترخانیان هم تداوم یافته است. این موضوع، گویای اهمیت الگوی یادشده در طراحی مجموعه‌های معماری در این منطقه جغرافیایی و این دوران تاریخی می‌باشد. این پژوهش قصد دارد با بررسی نمونه‌های اولیه و همچنین دو نمونه شاخص متعلق به عصر تیموری (مجموعه سلطان سعادت و آنو) و یک نمونه متعلق به دوره شیبانیان (مجموعه چهاربکر) و همچنین نمونه‌های متأخر دیگر در این منطقه جغرافیایی، ریشه‌های شکل‌گیری این فرم از مجموعه‌سازی را که در معماری ایران حضوری مؤثر داشته است، تبیین کند. پرسش‌هایی که پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن است اینکه، ریشه‌های شکل‌گیری مجموعه جلوخان‌دار در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ در طول دوران تیموری و ازبکان شیبانی و اشترخانی، شامل چه مواردی بوده است؟ براساس تحولات مجموعه‌های جلوخان‌دار در سه عصر: تیموریان، شیبانیان و اشترخانیان، این مجموعه‌ها را از لحاظ ساختار قرارگیری ابنیه، در چند گروه می‌توان دسته‌بندی کرد؟ این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تاریخی انجام گرفته است. نتایج گویای آن است که مجموعه‌های جلوخان‌دار را از لحاظ نحوه استقرار ابنیه می‌توان به دو دسته کلی جلوخان‌دار سبک قاش و جلوخان‌دار سبک جغت تقسیم کرد. ریشه‌های جلوخان‌های سبک قاش را می‌توان به قاش‌سازی دو بنا که قدمتی طولانی در منطقه ماوراءالنهر دارند، نسبت داد. ریشه جلوخان‌های جغت را نیز می‌توان حاصل عقب‌نشینی ابنیه از ردیف سایر بناها در کنار گذرها به منظور تقویت حس دعوت‌کنندگی دانست.

واژگان کلیدی: تیموریان، شیبانیان، اشترخانیان، مجموعه‌های معماری، جلوخان.

مقدمه

جلودان، مشتق از دو کلمه ترکی جلو و کلمه فارسی خان به معنی کاروان سراسر است (مخلصی، ۱۳۸۵: ۵۷۳). به محوطه گشاده‌ای گفته می‌شود که مقابل سردر بعضی از ابنیه معماری همچون بازار، مسجد، کاروان سرا و دیگر ابنیه مذهبی و عمومی قرار می‌گرفته است (بهشتی و قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸: ۸۵). این ساختار که بیشتر شبیه به یک میدانچه کوچک بوده، به‌عنوان مفصل ارتباطی عمل می‌کرده و فضای ورودی به مجموعه‌ها را شکل می‌داده است. فرم فیزیکی جلودان‌ها عمدتاً بدین صورت بوده که از سه طرف و در بعضی از موارد از چهار طرف، بسته بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۴). طراحی جلودان در بیشتر موارد با عقب‌نشینی ورودی بناها از کنار یک گذر انجام می‌شده است. این کار با هدف اهمیت بخشیدن به فضای ورودی و برای ایجاد حس دعوت به مکان بوده است (محمدمرادی و امیرکبیریان، ۱۳۸۲: ۱۶).

بر مبنای اسناد باقی‌مانده از دوره صفوی که استفاده از واژه جلودان در آن‌ها قابل پیگیری است و همین‌طور نمونه‌های متعددی که از این دوره باقی مانده، همانند جلودان مسجد عباسی و جلودان بازار قیصریه و چندین نمونه دیگر، چنین فرض می‌شود که استفاده از این الگو از این زمان در معماری ایران فراگیر شده باشد (مخلصی، ۱۳۸۵: ۵۷۴-۵۷۳). بر همین مبنا، معماری ایران در عصر قاجاریه را نیز دوره شکوفایی استفاده و ساخت جلودان در برابر ابنیه عمومی و خصوصی، دانسته‌اند (همان). باینکه برخی از پژوهشگران به حضور شکل اولیه جلودان در پیشگاه تعداد اندکی از بناهای پیش از دوره صفوی همچون مسجد بی‌بی‌خانم در سمرقند اشاره داشته‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۶-۲۵)؛ اما هیچ‌کدام به بررسی نمونه‌های اولیه این ساختار در دوره پیش از صفوی، نپرداخته‌اند. همین‌طور، تحولات و سیر دگرگونی‌های الگوی جلودان را که احتمالاً بر روی ساختار جلودان در ادوار بعدی معماری ایران تأثیر گذار بوده، بررسی نکرده‌اند. درحالی‌که اهمیت تعریف جلودان و عقب‌گرد بنای اصلی از میانه راه به‌صورتی که شکل یک میدانچه در کنار مسیر ایجاد شود، در میان شماری از مجموعه‌های ساخته‌شده در دوره تیموری، قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال می‌توان به دو نمونه از عقب‌نشینی ابنیه در طول مسیر خیابان شاه زنده اشاره کرد که به‌وسیله آن میدانچه کوچکی در کناره راه شکل گرفته است (Nemtseva, 1977: 71; 1964: 133). همچنین عقب‌نشینی مسجد گوهرشاد خاتون نسبت به دو بنای مدرسه گوهرشاد و مدرسه فیروزشاه در طول مسیر خیابان هرات،

تداعی‌کننده فرم جلودان است (Franke et al., 2020: 94). به‌جز موارد یادشده می‌توان به مجموعه گورمیر نیز پرداخت که ضمن قرارگیری در میانه مسیر یکی از خیابان‌های اصلی شهر سمرقند، با استقرار بنای مقبره، خانقاه و مدرسه در سه طرف یک حیاط، ساختار یک جلودان را تشکیل می‌داده است. باین‌حال، مجموعه گورمیر با تعریف یک دروازه ورودی روبه‌روی پیشان آن، کمی از ساختارهای پیشین فاصله گرفته است (McChesney, 2021: 41). به‌غیر از مجموعه‌های یادشده که یا مستقل یا در دل مجموعه‌های کلان دیگر قرار داشته‌اند، می‌بایست به استفاده از ساختار جلودان در طراحی بعضی از مجموعه‌های مهم ساخته‌شده در دوره تیموری و حتی بعد از آن نیز، اشاره کرد. این مجموعه‌ها که به‌صورت مستقل و بعضاً خارج از محیط شهرهای این دوره احداث شده‌اند، کاملاً ساختار آن‌ها متأثر از شکل جلودان در معماری ایرانی است. در این ساختار، ابنیه مجموعه که عمدتاً متشکل از سه بنای مستقل بوده است، در کنار یکدیگر به‌صورتی قرار می‌گرفته‌اند که تداعی‌کننده ساختار جلودان باشد. استفاده از الگوی بیان‌شده پس از دوره تیموری (۷۷۱-۹۱۱ ه.ق.)، در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ در طول دوران حکومت شیبانیان (۹۰۶-۱۰۰۷ ه.ق.) و اشترخانیان ازبک (۱۰۰۷-۱۱۹۹ ه.ق.) نیز فراگیر بوده است. به‌گونه‌ای که نمونه‌های متعددی را می‌توان معرفی کرد که همگی پیرو ساختار مجموعه‌های جلودان‌دار در عهد تیموری، طراحی و ساخته شده‌اند.

این پژوهش قصد دارد با بررسی نمونه‌های اولیه ساختار جلودان در معماری عهد تیموری، ریشه‌های شکل‌گیری آن را بررسی کند. سپس با مطالعه ساختار مجموعه‌های معماری در این عصر و دو دوره شیبانیان و اشترخانیان ازبک، مجموعه‌های متعددی را که براساس این الگو شکل گرفته‌اند، مطالعه کند. هدف از این بررسی، گونه‌شناسی مجموعه‌های یادشده از لحاظ ساختار و ریشه‌های شکل‌گیری آن‌هاست. برای دستیابی به این منظور، ضمن بررسی نمونه‌های اولیه در دوره تیموری و همچنین نمونه‌های متأخر در دوره اشترخانیان، سه مجموعه با نام‌های سلطان سعادت، آنو و چهاربکر به‌دلیل تغییر پیدا نکردن ساختار الگوی جلودان اولیه آن‌ها در طول سالیان، به‌عنوان نمونه‌های این پژوهش بررسی شده‌اند. انجام این پژوهش از آن جهت که نتایج آن خلاءهای موجود در حوزه مطالعه ساختار جلودان و ریشه‌های آن‌ها را پیش از دوره صفوی پر می‌کند، ضروری تلقی می‌شود. علاوه بر این‌ها، نتایج آن راهگشای پژوهش‌هایی خواهد بود که قصد داشته باشند در آینده، روند تحولات الگوی جلودان

اشاره کرد که با هدف بررسی مجموعه‌های معماری در سه عصر تیموریان، شیبانیان و اشترخانیان از یک منتشر شده است و از خلال آن‌ها می‌توان به سیر تحول الگوی جلوخان در معماری این منطقه و این دوران تاریخی، دست یافت. در مورد مطالعه آثار معماری این سه دوره در منطقه ماوراءالنهر، می‌بایست از پژوهش‌های "گالینا پوگاچنکوا"، محقق شهیر اتحاد جماهیر شوروی سابق یاد کرد. در پژوهش‌های او، ضمن مطالعه بناها و مجموعه‌های معماری متعلق به سه دوره ذکر شده، بررسی‌های جامعی نیز درباره مجموعه‌هایی همچون گورمیر (Pugachenkova & Rempel, 1965: 269-280، سلطان سعادت (Pugachenkova, 1976 A: 41-52)، آنو (Pugachenkova, 1976 B: 61)، چهاربکر (Pugachenkova & Rempel, 1965: 341-344)، لب‌حوض دیوان‌بیگی (Ibid: 339-341) و ریگستان (Ibid: 268-269) انجام شده است. در این مطالعات که با هدف معرفی مجموعه‌ها و بررسی روند تحولات ساخت‌وساز در آن‌ها ارائه شده، به مطالعه ساختار جلوخان و ارتباط ساختاری مجموعه‌های یادشده ذیل این ساختار، توجه نشده است. همانند پوگاچنکوا، "گلمبک و ویلبر" (۱۳۷۴)، نیز پژوهش جامعی با هدف بررسی مجموعه‌های معماری تیموری در ایران و منطقه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر انجام داده‌اند. در این پژوهش نیز بررسی مجموعه‌هایی همچون گورمیر (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۵۲)، سلطان سعادت (همان: ۳۹۰) و آنو (همان ۱۳۷۴: ۳۹۹-۴۰۴)، تنها با هدف بررسی روند تحولات ساخت‌وساز در مجموعه‌ها صورت گرفته و مشابهت‌های ساختاری از لحاظ الگوی جلوخان بررسی نشده است. "نمتسوا" باستان‌شناس روس که چندین سال درباره محوطه تیموری شاه زنده پژوهش انجام داده است، ضمن معرفی روند تحولات ساخت‌وساز در این مجموعه، یکی از اولین محققانی بوده که به حضور الگوی جلوخان در این مجموعه تاریخی توجه کرده است (Nemtseva, 1964: 133-134; 1977: 66-67). بر مبنای همین فرضیه نمتسوا، "اوتو فرانکه و همکاران" نیز در پی مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه مصلای هرات، به وجود الگوی جلوخان در معماری عصر تیموری در این شهر اشاره کرده‌اند (Franke et al., 2020: 94). البته آن‌ها به نمونه‌های مشابه و همین‌طور روند تحولات این ساختار در این عصر نپرداخته و تنها اشاره‌ای گذرا به این فرم در پیشگاه مسجد گوهرشاد هرات کرده‌اند. "مک‌چسنی" (۱۹۸۷: ۲۰۲۱) در دو پژوهش مستقل، مجموعه‌هایی از دوره‌های تیموریان و شیبانیان را بررسی کرده است. او در بررسی مجموعه گورمیر ضمن در نظر گرفتن آخرین یافته‌های

را به‌طور کامل در معماری ایران، بررسی کنند. سؤالاتی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست، ریشه‌های شکل‌گیری مجموعه جلوخان‌دار در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ در طول دوران تیموری و ازبکان شیبان و اشترخانی چه (عواملی/ مواردی) بوده است؟ براساس تحولات مجموعه‌های جلوخان‌دار در سه عصر تیموریان، ازبکان شیبان و اشترخانی، این مجموعه‌ها را از لحاظ ساختار قرارگیری ابنیه در چند گروه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

پیشینه پژوهش

در زمینه مطالعه ساختار جلوخان در معماری ایران، می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد. "سلطان‌زاده" (۱۳۷۲) در "فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران"، ضمن بررسی الگوی طراحی ورودی برای معماری ابنیه ایرانی، الگوی جلوخان را نیز بررسی کرده است. در این پژوهش، تنها اشاره کوچکی به الگوهای ساخت جلوخان در پیش از دوره صفوی شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۶-۲۵). به بررسی ریشه‌های ساختار جلوخان و مطالعه روند تحولات آن، بدین جهت که هدف اصلی این پژوهش نبوده، توجه نشده است. مقاله کوتاه "مخلص" (۱۳۸۵: ۵۷۳-۵۷۵) در "دانشنامه جهان اسلام" را می‌توان از معدود پژوهش‌هایی دانست که با هدف معرفی الگوی جلوخان، منتشر شده است. در این پژوهش، نویسنده ضمن معرفی اجمالی الگوی جلوخان پیش از دوره صفوی تا انتهای دوره قاجار، به ساختار جلوخان و دلایل ساخت آن اشاره کرده است. اما ریشه‌های این ساختار و همچنین روند تحولات در عصر پیش از صفوی بررسی نشده است. "مهدوی‌پور و همکاران" (۱۳۹۲) در "جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران"، تنها به بررسی الگوی جلوخان در معماری مسکونی ایران و مطالعه اجزای ساختار جلوخان در این گونه از معماری ایران پرداخته‌اند. پژوهش "جواد قاضی و همکاران" (۱۳۹۲) همچون پژوهش قبلی، به بررسی الگوی جلوخان در یک دوره و یک منطقه جغرافیایی اختصاص دارد و به مبحث بررسی ریشه‌های ساختار و تحولات الگوهای جلوخان وارد نشده است. همین ویژگی را می‌توان برای پژوهش "گلستانی و همکاران" (۱۳۹۵) نیز لحاظ کرد؛ این پژوهش که با هدف بررسی تطبیقی الگوی جلوخان بین یک مسجد تاریخی و مسجد معاصر در شیراز انجام گرفته، کمتر به مبحث ریشه‌ها و بررسی روند تحولات وارد شده است.

در زمینه ساختار جلوخان در معماری قرن هشتم تا دوازدهم ه.ق. در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ نیز تاکنون پژوهش مستقلی ارائه نشده است. تنها می‌توان به آثار متعددی

باستان‌شناسی، به مطالعه روند تحولات ساخت‌وساز در مجموعه یادشده مجدد به صورت مفصل پرداخته است (McChesney, 2021: 17, 127). مک‌چسنی همچنین در پژوهش دیگری، ضمن بررسی مجموعه چهاربکر، محوطه تاریخی آن را نیز مطالعه کرده است. نکته قابل توجه در این پژوهش اینکه او برای اولین بار با اشاره به ساختار L مانند مجموعه چهاربکر که به ساختار جلوخان در معماری ایران شباهت دارد، به تحلیل این مجموعه براساس این ساختار اقدام کرده است. باین همه، او نیز همچون دیگر پژوهشگران معماری عصر تیموریان و ازبکان، به ریشه‌های شکل‌گیری این ساختار و نمونه‌های مشابه اشاره‌ای نکرده است (McChesney, 1987: 221). علاوه بر مک‌چسنی، "شاریپوف" (۱۹۹۶) و "فلورین شوارتز" (۱۹۹۶) نیز ضمن بررسی مجموعه چهاربکر، همچون مک‌چسنی، به روند تحولات ساختار مجموعه مذکور بیشتر توجه کرده‌اند. از این رو پژوهش آن‌ها فارغ از مسئله بررسی ریشه‌های ساختاری است (Shahripov, 1996: 135-136; Schwarz, 1996: 82). از منظر بررسی ساختارهای معماری و الگوهای استقرار مجموعه‌های معماری نیز، تاکنون چندین پژوهش منتشر شده است. در میان آن‌ها به الگوی جلوخان به عنوان یکی از الگوهای ساخت مجموعه‌های معماری، اشاره نشده است. برای نمونه، "رابرت هیلن‌براند" ضمن بررسی مسئله تزیینات بر روی نمای بیرونی ابنیه در دوره تیموری (Hillenbrand, 2004: 97 & 106-107)، به موضوع چگونگی استقرار ابنیه به منظور نمایش این تزیینات پرداخته است. بر مبنای تحقیق او می‌توان دلایل شکل‌گیری اولیه الگوی جلوخان را در این دوره استنباط کرد (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۰). علاوه بر او، "پاسکالونا" (۲۰۱۲) نیز به مسئله چرایی استقرار ابنیه‌های دوره تیموری در یک مجموعه معماری توجهی ویژه داشته است. براساس پژوهش این محقق می‌توان به ریشه‌های استقرار ابنیه دوره تیموری به صورت قاش پی‌برد. ریشه‌هایی که در شکل‌گیری الگوی جلوخان در عصر تیموری، نقش مؤثری داشته‌اند (Paskalevna, 2012: 87).

در همین زمینه، به پژوهش ارائه‌شده از سوی "مانتوف" (۲۰۱۵) نیز، می‌بایست اشاره کرد. او در پژوهش خود، ضمن بررسی آثار معماری کشور ازبکستان که به دوره تیموریان به بعد تعلق داشته، سعی کرده است تا این آثار را از لحاظ ساختار طراحی ابنیه، تحلیل و بررسی کند. او برای نخستین بار نظام قاش‌سازی و جفت‌سازی در معماری این دوران را به شکلی جامع بررسی کرده است. در نهایت، پژوهش ارائه‌شده از سوی "گرکانی دشته و همکاران" (۱۴۰۰) از آخرین مقالاتی است که با هدف بررسی الگوهای استقراری دو بنا نسبت به یکدیگر در طول دوره

تیموری، به مقایسه و بررسی الگوی قاش و جفت‌سازی میان چند مجموعه متعلق به این دوره، پرداخته است.

در مقایسه با پژوهش‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، پژوهش پیش‌رو برای اولین بار مجموعه‌های معماری سه عصر: تیموری، ازبکان شییبانی و اشترخانی را که براساس الگوی جلوخان احداث شده‌اند، به صورت اختصاصی بررسی کرده است. همچنین، برای نخستین بار ضمن بررسی ریشه‌های ساختار جلوخان در الگوهای استقرار ابنیه، به مطالعه و بررسی تحولات گونه‌های احداث‌شده بر مبنای این ساختار پرداخته است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی-تاریخی است. شیوه گردآوری اطلاعات هم در سه مرحله انجام شده است: مرحله اول؛ مطالعه منابع دست‌اول تاریخی، گزارش‌های باستان‌شناسی و طرح‌های پژوهشی است که پیش‌تر درباره محتویات کلی موضوع حاضر، انجام شده است. مرحله دوم؛ مطالعه ویژگی‌های ساختاری مجموعه‌های معماری مورد مطالعه براساس برداشت‌های مطالعات کتابخانه‌ای است. در مرحله سوم، به منظور دستیابی به ریشه‌های ساختاری مجموعه‌های جلوخان دار و همچنین شناخت انواع گونه‌هایی که براساس این ساختار شکل گرفته است، روندهای تحولات ساختار مجموعه‌های مذکور به صورت مستقل مورد تحلیل و مقایسه تطبیقی با یکدیگر قرار گرفتند.

اصول طراحی نما و ساختار استقرار ابنیه در مجموعه‌های عهد تیموری و ازبکان شییبانی و اشترخانی

پیش از بررسی مجموعه‌های جلوخان دار، می‌بایست به صورت مختصر اصول طراحی نما و ساختار استقرار ابنیه را در دوره تیموریان معرفی کرد. آشنایی با این اصول، می‌تواند در فهم هرچه بهتر ساختار مجموعه‌های جلوخان دار مؤثر باشد. لازم به ذکر است که استفاده از این ساختارها در معماری خراسان و ماوراءالنهر تا بعد از پایان عمر این دودمان و در طول دوره تسلط خاندان شییبانیان که در سبک ساخت‌وساز معماری تحت تأثیر معماری عهد تیموری بوده‌اند نیز، تداوم داشته است (بلر، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

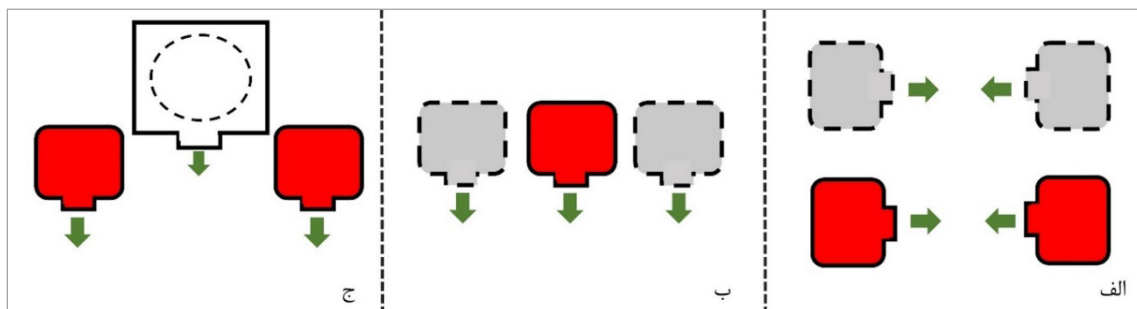
یکی از موارد مهمی که در دوره تیموری در طراحی ابنیه بسیار مورد توجه قرار گرفته، طراحی نمای بیرونی ابنیه و مجموعه‌های معماری است (Golombek & Koch, 2017: 817). روند تحول تزیینات نمای بیرونی ابنیه در این دوره به صورتی است که تزیینات مختصر نمای بیرونی بناها در ابتدای این عهد، به جایی می‌رسد که در سال‌های پایانی دوره

تیموری، وسواس به نمایش هرچه باشکوه‌تر سطوح بیرونی، سبب نزول کیفیت تزیینات سطوح داخلی شده است؛ تا بدان حد که نمای داخلی در تقابل با نمای بیرونی، مانند یک نمای در حال ریزش به چشم می‌آید. این بیانگر اوج توجه تیموریان به ناسازی بیرونی ابنیه است (Hillenbrand, 2004: 106). مسئله دیگر در این عصر، ایجاد عرصه‌های مناسب جهت نمایش نماهای مزین بوده است. این نماها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوان از بیرون به آن نگاه کرد و بی‌هیچ مانعی، تزیینات پرشکوه آن‌ها را پیش نظر آورد (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۱۴). تیموریان نمی‌خواستند نمای بیرونی بناها مانند دوره‌های قبل، در دو بُعد محدود شود و در حبس و خفگی بیفتند، بلکه می‌خواستند این ابنیه تا آن جایی که امکان دارد از سه بعد نمای آزاد برخوردار باشد تا به‌منظور تماشا از بیرون، از فضای حاشیه‌ای گسترده استفاده شود (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۰). در بیشتر موارد، این تزیینات شامل بدنه خارجی ابنیه‌ای بوده که در یک یا دو طرف مسیر گذر یا خیابانی قرار می‌گرفته‌اند؛ و یا ابنیه‌ای که در اضلاع یک میدان، ساخته می‌شدند. در این موارد، نماهای تزیین یافته از چهار دیوار به سه و در نهایت تک‌نمای بیرونی، تقلیل می‌یافته است. این سطوح بیرونی مزین در کنار یکدیگر، تشکیل نمای شهری متصل و تزیین شده‌ای را می‌داده که در تعامل با چشم‌انداز و محیط پیرامون خود، بوده‌اند. در این میان، قرار گرفتن نمای ورودی و اصلی ابنیه در کنار گذرها و میدان‌ها باعث می‌شد که این نما، اصلی‌ترین جهت تزیینی بنا قلمداد و در تزیین آن دقت فراوانی شود (Hillenbrand, 2004: 97).

یکی از عناصر اصلی طراحی نمای بیرونی ابنیه در طول دوره تیموری، سردرهای ورودی بناها یا همان پیش‌طاق‌هاست. سردرها هنوز در این دوره، مانند عصر ایلخانی، بسیار بلند ساخته می‌شوند و بر عرصه اطراف خودنمایی می‌کنند. مشرف بودن این عنصر به گذر یا واشدگاه‌های عمومی، سبب می‌شد که بهترین جلوه از نمای تزیینی یک بنا را ارائه دهد. ساخت سردر یا پیش‌طاق، تنها به‌صورت یک ایوان ساده که در میان

دیواری قرار می‌گرفت، انجام نمی‌شود. این سردرها گاه در میان دیوارهایی که طاق‌نماهایی در سرتاسر آن‌ها وجود داشت، قرار می‌گرفتند؛ و یا در دو سوی آن‌ها به قرینه، یک جفت طاق‌نمای کوچک‌تر ساخته می‌شد. این طاق‌نما نمادی از وجود تقارن در ناسازی عصر تیموری بود (گلمبک، ۱۳۶۴: ۲۶). هم‌زمان با توجه به ساخت پیش‌طاق برای ابنیه، قرینه‌سازی دو بنا روبه‌روی یکدیگر، در امتداد یک محور یا میان یک محوطه نیز، از ویژگی‌های دیگر ناسازی کالبد پیرامونی در عصر تیموری به حساب می‌آید. این قرینه‌سازی که شامل قرارگیری پیش‌طاق‌های بلند دو بنا در برابر هم است، در اصطلاح معماری این دوران قاش یا قاچ نامیده می‌شد (Pugachenkova, 1976 B: 90). قاش یک نوع ترکیب معماری میان دو یا سه بناست، به‌صورتی که نمای اصلی آن‌ها مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. این ابنیه معمولاً در یک محوطه یا در امتداد یک مسیر قرار داشته‌اند، به‌نوعی که گاهی با هم تشکیل یک میدان کوچک را می‌دادند (Paskalevna, 2012: 87). نظر به اینکه در زبان ترکی نیز، قاش به معنای ابروست، دو بنا همچون دو ابرو در برابر یکدیگر، قرار می‌گرفته‌اند.

در کنار قاش‌سازی، واژه جفت‌سازی هست که به معنی در کنار هم قرار گرفتن دو تا چند بنا در امتداد یک راه و در یک سوی جبهه خیابان است (Maneov, 2015: 169). در فرایند جفت‌سازی، لزوماً تمامی ابنیه‌ای که در کنار هم قرار می‌گرفته‌اند، مانند قاش‌سازی، از نظر ارتفاع و نوع تزیینات، مشابه یکدیگر نبوده‌اند. در این فرایند، تنها در کنار هم قرار گرفتن و یا در خط بودن ابنیه در امتداد یک مسیر، مورد نظر بوده است (Ibid: 165). جفت‌سازی را همچنین می‌توان مبنایی دانست برای مجموعه‌هایی که به‌صورت یک جلوخان در دو طرف یک بنای مرکزی، احداث می‌شدند. جفت‌سازی نیز همچون قاش‌سازی به یک فضای نظاره نیاز داشت. از این‌روست که بیشتر مواقع، جفت‌سازی در معماری و شهرسازی عهد تیموری، در مجموعه‌هایی که در طول یک محور خطی برقرار بوده‌اند، انجام شده است (شکل ۱).



شکل ۱. انواع گونه استقرار ابنیه در مجموعه‌های دوره تیموری: الف. قاش‌سازی، ب. جفت‌سازی، ج. استقرار در ساختار جلوخان‌دار (نگارندگان، ۱۴۰۳)

مجموعه‌های جلouxان دار

مجموعه‌های معماری با ساختار منظم و ازپیش طراحی شده در دوره تیموری، گونه‌های متعددی داشته‌اند. این گونه‌ها را می‌توان از نظر الگوهای استقرار ابنیه به سه دسته کلی تقسیم کرد. اولین گونه، مشتمل بر استقرار بناها دورتادور یک حیاط مرکزی است. در این ساختار که مهم‌ترین نمونه بر جای مانده از آن، مجموعه گورمیر در سمرقند است، استقرار چهار بنا به صورت قاش در گرداگرد یک محوطه مرکزی، تشکیل یک مجموعه را می‌دهد. ساختار بعدی که در طراحی مجموعه‌های معماری این عصر به چشم می‌خورد، استقرار ابنیه در دو سوی یک محور خطی است. محور میانی که همان مسیر دسترسی به مجموعه نیز تلقی می‌شود، مانند یک خیابان، در طراحی این مجموعه‌ها نقشی اساسی داشته است. در این گونه از مجموعه‌سازی، ابنیه تشکیل‌دهنده مجموعه، در دو سوی مسیر خیابان استقرار می‌یافته است. ابتدا و انتهای مسیر نیز به وسیله سردر و یک بنای مستقر در انتهای مجموعه، تعریف می‌شده است. از مهم‌ترین نمونه‌های این گونه از مجموعه‌سازی در این دوره، می‌توان به مجموعه‌های شاه زنده در سمرقند و دارالسیاد در شهر سبز اشاره کرد (گرکانی دشته و همکاران، ۱۴۰۱). گونه سوم که براساس آن ساختار مجموعه‌های معماری در دوره تیموری تعریف می‌شده، همان گونه جلouxان دار است. در این ساختار، ابنیه در محور یک بنای مرکزی مستقر می‌شده‌اند. در این شکل از استقرار، بنای میانی نقش محور مرکزی را در مجموعه داشته است. دو بنای دیگر در دو سوی آن به صورت متقارن و در مواردی هم‌جهت با بنای اصلی، قرار می‌گرفته‌اند. این دو بنا معمولاً اندازه کوچک‌تری نسبت به بنای مرکزی داشته‌اند؛ و استقرار در گوشه‌های بیرونی آن‌ها، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که هیئت یک جلouxان بزرگ را با شکل U را تداعی می‌کرده‌اند (McChesney, 1987: 221) (شکل ۱). از همین رو، این نوع از مجموعه‌سازی در دوره تیموری را می‌توان مجموعه‌های جلouxان دار نامید. کاربری این مجموعه‌ها، بیشتر مذهبی - خدماتی بوده است. کاربری بنای مرکزی مجموعه به مسجد یا مقبره و کاربری دو بنای مجاور به مدرسه و خانقاه و در مواردی هم به مقبره اختصاص داشته است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۹۹). ساخت این نوع از مجموعه‌ها در دوره‌های بعدی به‌ویژه در منطقه ماوراءالنهر و در زمان حکومت ازبکان شیپانی و اشترخانی نیز، دنبال شده است (McChesney, 1987: 221).

نگاهی به نمونه‌های ابتدایی جلouxان در معماری

عصر تیموری: شاید بتوان روند شکل‌گیری مجموعه گورمیر

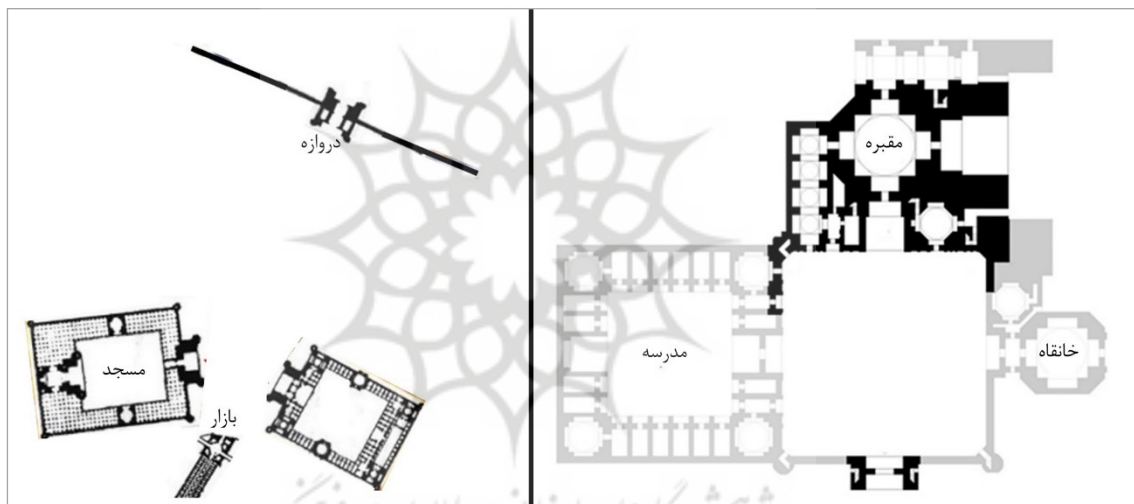
در سمرقند را به‌عنوان یکی از نمونه‌های اولیه و شاخص در مجموعه‌های جلouxان دار معرفی کرد. فرم ابتدایی این مجموعه مشتمل بر ساختمان مدرسه و خانقاه است که حدود سال ۸۰۳ ه.ق. به دستور سلطان محمد، نوه تیمور، در دو سوی یک صحن وسیع، روبه‌روی یکدیگر احداث شده بود (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۵۲). گلمبک این دو بنا را از نخستین مجتمع‌های عصر تیموری می‌داند که در اطراف یک محوطه به صورت قاش ساخته شده‌اند (گلمبک و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۶). بعد از مرگ محمدسلطان، به دستور تیمور سال ۸۰۷ ه.ق. (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۵۳)، قسمت جنوبی مجموعه از ابنیه دیگر خالی و مقبره‌ای شکوهمند در آن احداث شد. این مقبره، اکنون به گورمیر مشهور است؛ و پیکر محمدسلطان را از خانقاه به اینجا منتقل کردند (Pugachenkova & Rempel, 1965: 271). اضافه شدن بنای مقبره در ضلع جنوبی محوطه، سبب شد تا این بنا در کنار دو بنای خانقاه و مدرسه، ساختاری مشابه با فرم جلouxان به خود بگیرد.

لازم به ذکر است که مجموعه گورمیر در این دوره، در کنار یکی از معابر اصلی شهر سمرقند و در نزدیکی ارگ بزرگ گوگ‌سرای، بوده است (سمرقندی، ۱۳۹۰: ۴۸۹). پیروی از ساختار جلouxان در طراحی آن، حس دعوت‌کنندگی را در عابرین تقویت می‌کرده است. این ساختار تا زمان حکومت الغ‌بیگ در سمرقند (۸۴۹-۸۰۹ ه.ق.)، به همین صورت باقی بوده است. در این دوره، احتمالاً در حدود سال ۸۲۸ ه.ق. (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۵۳)، با احداث درآیگاه ورودی در ضلع شمالی مجموعه، ساختار آن از فرم یک مجموعه جلouxان دار به شکل یک مجموعه چهارایوانی بر گرداگرد یک محوطه داخلی، تغییر یافته است (شکل ۲، Pugachenkova & Rempel, 1965: 279-280; McChesney 2021: 43). تقریباً هم‌زمان با ساخت گورمیر، مجموعه دیگری در سمرقند در حال احداث بوده که مهم‌ترین بنای آن، مسجد بزرگ تیموری یا همان مسجد بی‌بی‌خانم (۸۰۸ ه.ق.) است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۴۵). این مجموعه که به فرمان تیمور و با تخریب بافت درهم‌فشرده شهر در حال ساخت بوده، پیش‌فضای ورودی بازار سمرقند را شکل می‌دهد. کلیت مجموعه شامل محوطه‌ای است که در دو سوی آن، دروازه فولاد (یکی از دروازه‌های سمرقند) و دروازه ورودی بازار سمرقند (۸۰۸ ه.ق.) و در دو سوی دیگر، مسجد بی‌بی‌خانم و مدرسه سرای ملک خانم (۸۰۰ ه.ق.)، روبه‌روی هم قرار می‌گرفته‌اند. (Paskalevna, 2012: 87) این محوطه، به صورت یک میدان نامنتظم شهری به‌شکلی طراحی شده بود که دو بنای مسجد بی‌بی‌خانم و مدرسه سرای ملک خانم،

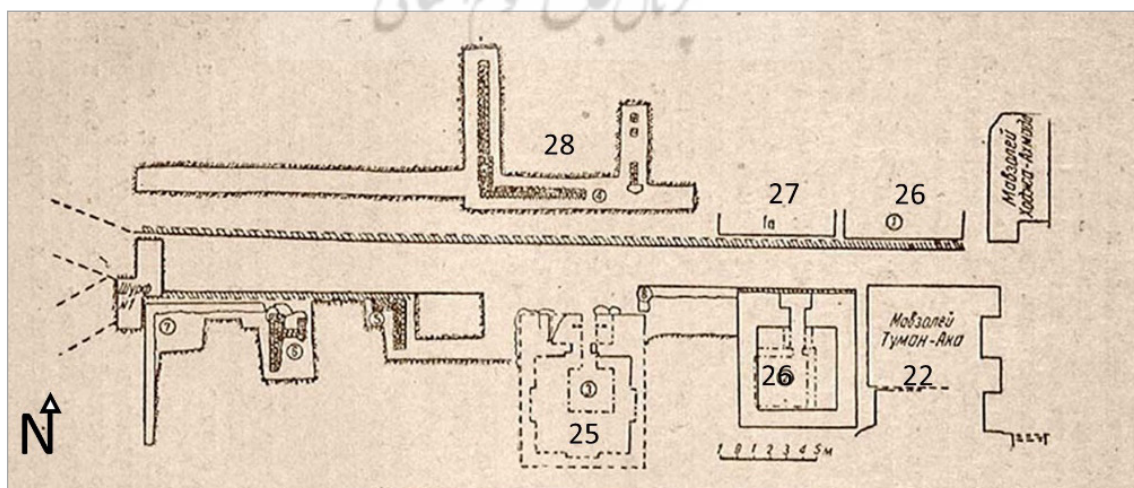
خیابان مجموعه، اشاره کرده است. اولین نمونه، عقب‌نشینی یکی از مقابر اصلی در راستای محور شرقی - غربی مجموعه است. نمونه دوم، عقب‌نشینی یک مقبره دیگر در راستای محور شمالی - جنوبی است (شکل ۳). براساس گزارش او، هر دوی این موارد که در عصر حکومت تیمور انجام شده، هم سبب ایجاد میدانچه‌های کوچکی در میانه مسیر شده، هم حس دعوت‌کنندگی را به عابران القا می‌کرده است. او معتقد است، صاحبان مقابر یادشده که هنوز نیز گمنام هستند، می‌بایست از شاهزادگان سرشناس عصر تیموری باشند (Nemtseva, 1977: 71; 1964: 133).

علاوه بر این نمونه، می‌بایست به عقب‌نشینی مسجد گوهرشاد در هرات (۸۳۰ ق.) از لبهٔ خیابان نسبت به مدرسه گوهرشاد (۸۴۱ ق.) اشاره کرد که در کنار آن، قرار داشته است. بر اساس

به صورت قاش روبه روی یکدیگر و درست پیش از درآیگاه بازار سمرقند قرار داشته‌اند (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۶۷). وضعیت این سه بنا در کنار یکدیگر تداعی کنندهٔ ساختار یک جلوخان بوده است؛ زیرا ضلع دیگر این میدان وسیع که توسط دروازه فولاد سمرقند تعریف می‌شده، فاصلهٔ بسیاری با سه بنای یادشده داشته؛ به صورتی که از لحاظ فیزیکی هیچ پیوندی با آن سه نداشته است (شکل ۲). علاوه بر دو مورد مذکور که در بطن مجموعه‌های مستقل شهریِ مستقر بر گرد یک محوطهٔ مرکزی، شکل گرفته بودند، می‌توان به نمونه‌های ابتدایی دیگری اشاره کرد که در طول یک خیابان شهری یا گذر داخلی یک مجموعه معماری با ساختار خطی، احداث شده بودند. نمتسا در کاوش‌های گسترده‌ای که در مجموعهٔ شاه زنده در سمرقند انجام داده، به دو مورد عقب‌نشینی بنا از محور اصلی



شکل ۲. مجموعه گورمیر در سمت راست بر مبنای (McChesney, 2021: 20) و مجموعه جلوخان بازار سمرقند (دروازه فولاد) در سمت چپ بر مبنای (Paskalevna, 2012: 85).

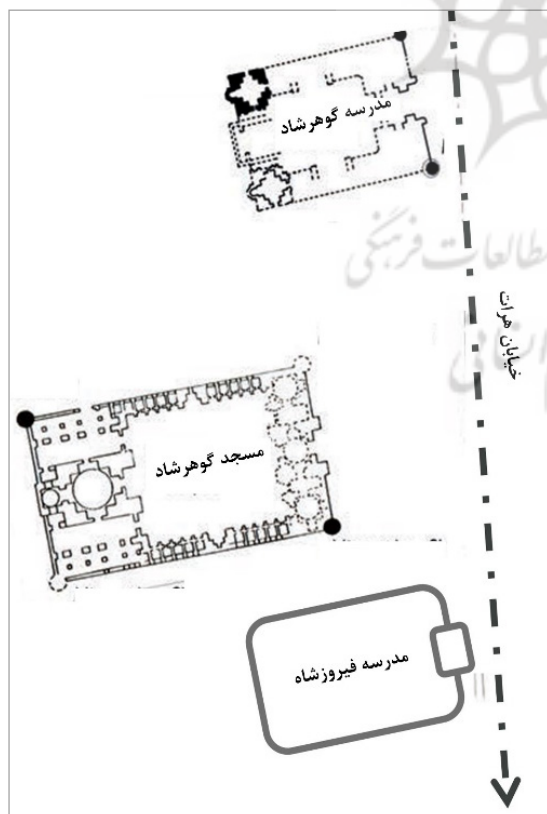


شکل ۳. عقب‌نشینی ساختمان شماره ۲۵ در راهرو غربی - شرقی مجموعه شاه زنده. (Nemtseva, 1964)

منابع تاریخی در سوی دیگر بنای مسجد گوهرشاد، مدرسه معظم امیرفیروزشاه (۸۳۸ ه.ق.) قرار داشته که آن هم همتای مدرسه و مسجد گوهرشاد، دارای نمای مزین شکوهمندی بوده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴). حفاری‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد نسبت این عقب‌نشینی به اندازه‌ای بوده که میدانچه کوچکی را در جلوی مسجد تعریف می‌کرده است (Franke et al., 2020: 94). باین حال تا معین شدن محل دقیق مدرسه فیروزشاه به‌طور مستند، نمی‌توان به صحت این فرضیه اتکا کرد (شکل ۴). البته باوجود نمونه‌های اولیه، می‌توان گفت در تمامی موارد، سه بنای جفت‌سازی‌شده در کنار یکدیگر قرار داشته‌اند و بنای میانی نسبت به دو بنای جانبی، عقب‌نشینی داشته است. این عقب‌نشینی به اندازه‌ای بوده که میدانچه کوچکی در جلوی بنای میانی، تشکیل شود. بدین ترتیب، کلیت مجموعه به ساختار یک جلوخان شبیه می‌شده است. بناهای مذکور را به این دلیل که در اوایل دوره حکومت تیموری ساخته شده‌اند، می‌توان از ریشه‌های مؤثر در ساخت مجموعه‌های جلوخان‌دار محسوب کرد.

مجموعه سلطان سعادت: این مجموعه، در شهر ترمذ، جنوب ازبکستان، قرار دارد و در طول چندین سال احداث شده است. بنای محوری مجموعه که متعلق به عصر استیلای مغول می‌باشد، مقبره شخصی به نام حسن‌الامیر است. بناهایی که در دو سوی محور مرکزی احداث شده‌اند، به دوره تیموری هستند (گلمبک و ویلبر ۱۳۷۴، ۳۹۰). گسترش مجموعه در طول سال‌های بعد سبب تشکیل خیابان میان مقابر شده، به‌صورتی که بدنه این خیابان با استقرار بنای مقابر جدیدتر شکل گرفته و توسعه یافته است. باین‌همه، در انتهای این خیابان، هسته اصلی مجموعه به‌عنوان نقطه انتهایی مسیر خیابان قرار گرفته که هنوز نیز ساختار جلوخان‌دار خود را حفظ کرده است (Pugachenkova, 1976 A). سلطان سعادت را می‌توان کهن‌ترین نمونه از مجموعه‌های جلوخان‌دار محسوب کرد که ساختار اولیه آن، حفظ شده است. محلی که اکنون مجموعه سلطان سعادت در آن قرار دارد، این مجموعه در قرن سوم ه.ق. متعلق به خانواده سید حسن‌الامیر از سادات ترمذی این ناحیه بوده و به‌عنوان مجموعه مقابر فامیلی در طی دوران، احداث و کامل شده است. قدیمی‌ترین قسمت این مجموعه در سمت جنوب غربی سایت، شامل دو مقبره است که توسط یک طاق عمیق به یکدیگر متصل شده‌اند. قدمت این دو مقبره به عقیده باستان‌شناسان ازبک، به قرن چهارم ه.ق. برمی‌گردد. به عقیده آن‌ها قوس میان دو مقبره به دلیل تکنیک ساخت، متعلق به قرن نهم ه.ق. است. اما

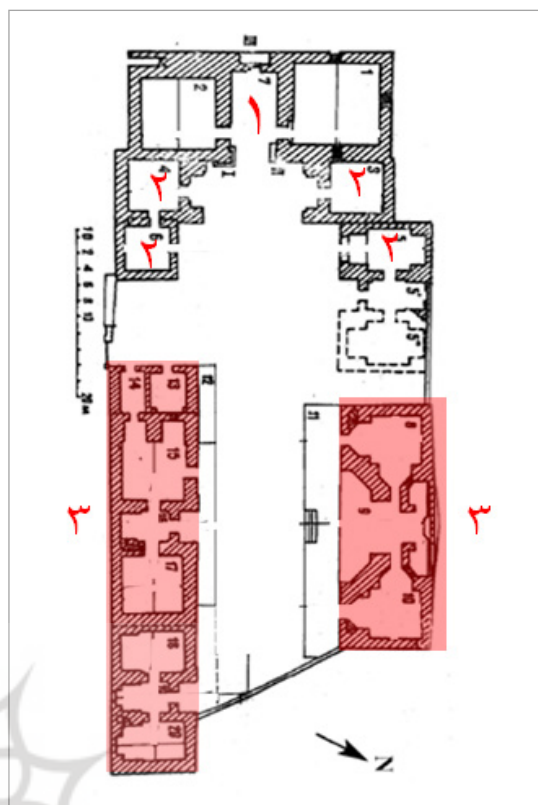
کاوش‌های بعدی نشان داد که هر سه عنصر دو مقبره و طاق هم‌زمان، احداث شده‌اند. ایوان ورودی مسجد به‌عنوان ورودی اصلی دو مقبره کاربرد داشته اما در قرن هشتم ه.ق.، نمای اصلی آن تغییر یافته است. در زمان خلیل سلطان (نوه تیمور) (۸۰۹-۸۰۷ ه.ق.)، نه تنها ایوان از نظر مصالح مرمت می‌شود، بلکه به ارتفاع آن افزوده و تزیینات کاشی بر روی آن اجرا می‌شود. در نیمه دوم قرن نهم ه.ق.، دو مقبره در امتداد نمای دو مقبره کهن‌تر ساخته می‌شود. ایوان این دو مقبره روبه‌روی یکدیگر قرار داشته، به این صورت که عمود بر محور اصلی بنا بوده است. این دو مقبره نیز مانند حالت اصلی مجموعه، تزییناتی نداشته‌اند (Pugachenkova, 1976 A: 43). با احداث این دو بنا، فرم جلوخان‌دار مجموعه که حاصل تقارن دو بنای کوچک در دو سوی یک بنای بزرگ بوده، کامل شده است. افزوده‌های بعدی به مجموعه، مربوط به قرن نهم ه.ق. است که شامل یک ساختمان سه‌اتاقه با یک ایوان کوچک در مرکز است. این افزوده‌ها، مشابه با ایده اولیه مجموعه بر مبنای دو مقبره و یک ایوان ارتباطی به‌صورت جلوخان است. چسبیده به ضلع شمالی این مقابر قرن نهم، مطابق نقشه جلوخان‌دار مجموعه، دو مقبره به همراه یک ایوان



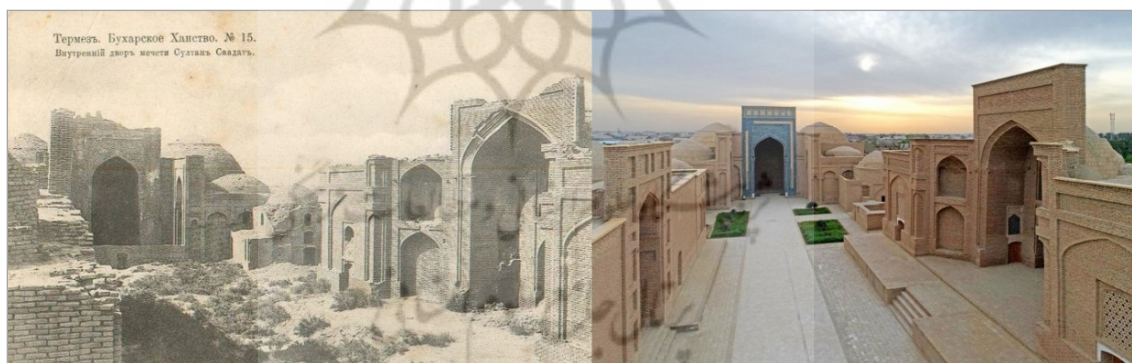
شکل ۴. عقب‌نشینی مسجد گوهرشاد نسبت به محور خیابان هرات (Franke et al, 2020) اصلاح توسط نگارنده بر مبنای (Allen 1983: 73-74).

میانی در قرن دهم و یازدهم ه.ق. احداث می شود که اکنون به خانقاه کوکلیدر معروف است (Pugachenkova, 1976 A: 52). مجموعه سلطان سعادت در کل، بسیار به ساختار مجموعه های شکل گرفته در دو سوی یک محور شباهت دارد. این مجموعه ها در نهایت، به یک ایوان بلند منتهی می شوند و در دو سوی آن ها نیز، استقرار مقابر با ایوان ها و گنبد های شان، بدنه کالبدی را در دو طرف راه تشکیل داده اند. البته، به غیر از ایوان انتهایی مجموعه، سایر ابنیه فاقد تزیینات کاشی هستند و تنها، نمای آجری ساده ای دارند. به این مجموعه تا سده یازدهم ه.ق، بنای چندین مقبره و یک خانقاه، اضافه شده است. هیئت کنونی مجموعه، از بنای نمازخانه (بنای مقبره اصلی در انتهای مجموعه)، خانقاه کوکلیدر و هفده مقبره (Maneov, 2015: 110) تشکیل شده است. اضافه شدن این ابنیه در راستای ساختار طرح اصلی، سبب شده که مجموعه رفته رفته از شکل یک مجموعه جلوخان دار خارج شده و بیشتر شبیه شکل یک خیابان شود (شکل های ۵، ۶ و ۷).

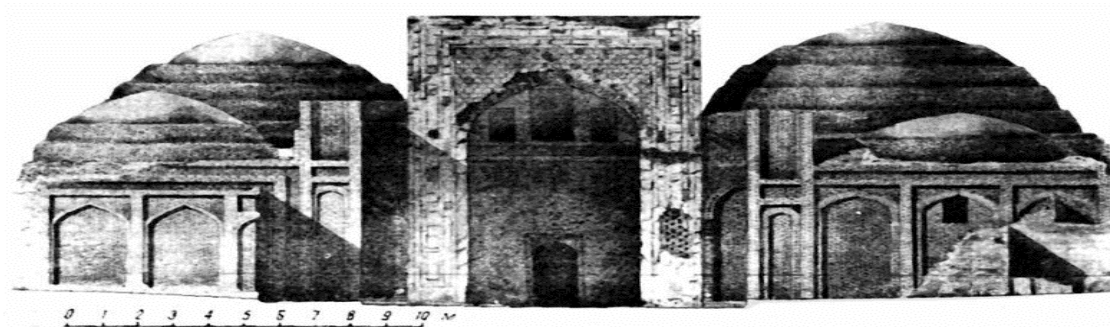
مجموعه آنو: مجموعه آنو در جنوب عشق آباد، مربوط به اواسط عهد تیموری (۸۶۰ ه.ق.) و مدفن شخصی به نام شیخ جمال الدین بوده است. مکان مقبره در ساختمان میانی مجموعه قرار داشته است. دو بنای دیگر که در مجاورت آن



شکل ۵. مجموعه سلطان سعادت: ۱. مسجد ۲. مقابر ۳. توسعه های دوران ازبکی (Pugachenkova, 1976 A: 42)



شکل ۶. مجموعه سلطان سعادت پیش و پس از مرمت (Pugachenkova, 1976 A; Maneov, 2015)

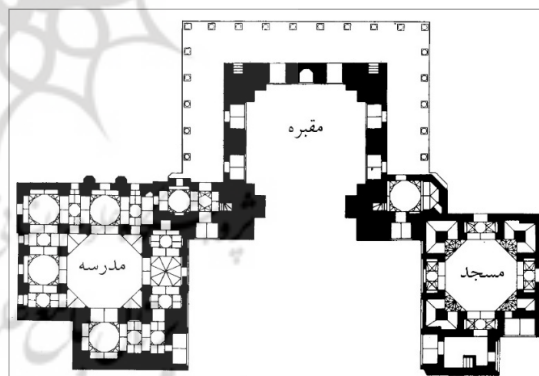


شکل ۷. ساختار جلوخان دار و ایوان انتهایی مجموعه سلطان سعادت به همراه دو بنای جانبی (Pugachenkova, 1976 B)

بوده، به کاربری خانقاه و مدرسه اختصاص داشته‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۹۹-۴۰۴).

از مجموعه آنو یا آن‌طور که در ترکمنستان معروف است، مسجد سید جمال‌الدین، شواهد معماری بسیار اندکی بر جای مانده است. این مجموعه در زمین‌لرزه سال ۱۹۴۸ به‌طور کامل ویران شده و تنها به کمک عکس‌های قدیمی، تصاویر ماهواره‌ای و برخی شواهد باستان‌شناسی و بقایای اندک معماری، می‌توان به موقعیت آن پی برد.

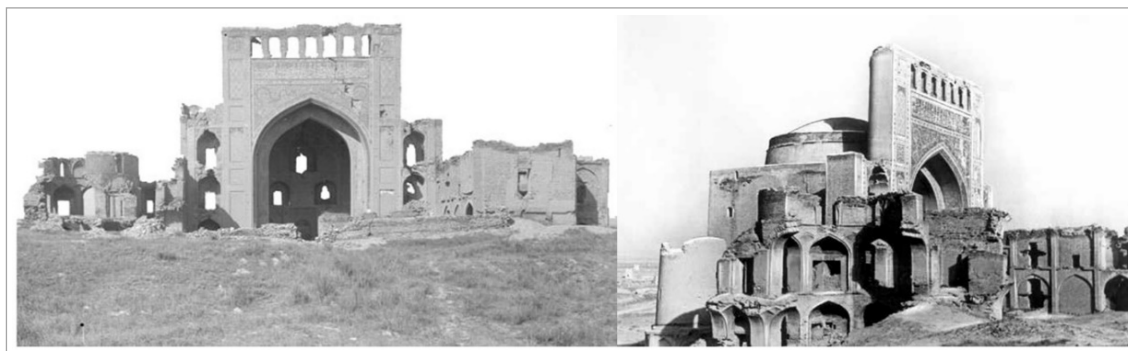
ساختمان مرکزی این مجموعه را بنای مسجد یا مقبره سید جمال‌الدین، تشکیل داده است. از عکس‌های قدیمی برجای‌مانده از این بنا، پیش‌طاق عظیم آن مشخص است که با کاشی‌های معرق و آجرهای لعاب‌دار تزیین شده است (Pugachenkova, 1976 B: 61). این پیش‌طاق که به گنبدخانه محل دفن سید جمال‌الدین منتهی می‌شده، درست در مرکز مجموعه بوده است. در دو سوی بنای مرکزی دو ساختمان با آسمانه گنبدی، به‌صورت قرینه، مقابل یکدیگر احداث شده‌اند. گلمبک و ویلبر کاربری این دو بنا را خانقاه و مدرسه تشخیص داده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۰۴-۳۹۹). این مجموعه که به فرم اولیه مجموعه سلطان سعادت بسیار شباهت دارد، از حدود یک مجموعه جلودان‌دار فراتر



شکل ۸. مجموعه آنو (Pugachenkova, 1976 B)

نرفته و به همان سه بنای اولیه، محدود شده است. با این حال، باید اذعان کرد استقرار دو بنا در دو گوش بنای مرکزی، کمی متفاوت با استقرار دو مقبره در دو سوی طاق اصلی سلطان سعادت است. نوع استقرار این دو بنا در مجموعه آنو، به‌صورتی بوده که سرتاسر نمای مسلط به صحن میانی را ایوانچه‌های دوطبقه‌ای، تشکیل می‌داده است. نوع تعریف و طراحی این ایوانچه‌ها بسیار به ساختار جلودان ابنیه در سایر مجموعه‌های معماری ایران شباهت دارد به‌صورتی که موارد مشابه با آن را می‌توان در ساختار سردر بازار قیصریه اصفهان که یک قرن بعد ساخته شده است، پیگیری کرد. همچنین، باینکه هر دو، بنای جانبی ساختاری قاش‌گونه نسبت به یکدیگر دارند، امتداد طاق‌نمای آن‌ها در دو بازوی بیرونی مجموعه، تبعیت از فرم جفت‌سازی را نشان می‌دهد. گلمبک و ویلبر این مجموعه را به‌دلیل ویژگی‌های خاصی که داشته است با بنای چهاربکر که در زمان عبدالله شیبانان در حومه بخارا ساخته شده، مقایسه کرده است؛ و آن بنا را متأثر از فرم مجموعه آنو می‌داند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۰۴-۳۹۹)، (شکل‌های ۸ و ۹).

مجموعه چهاربکر در بخارا: زمان تسلط دودمان شیبانان ازبک (۹۰۶ تا ۱۰۰۷ ه.ق.)، حدود سال ۹۶۶ ه.ق. در حومه شهر قدیم بخارا، احداث شده است. کلیت این مجموعه، با مرکزیت گور امام ابوبکر احمد ابن سعید نصر بخاری، ساخته شده است. احداث گورستان در گرداگرد گور ابوبکر سعد نصر، به زمان حکومت سامانیان (۲۶۱ تا ۳۹۵ ه.ق.)، باز می‌گردد. توسعه این گورستان در طول چندین قرن، باعث شد تا این محوطه به‌عنوان مهم‌ترین گورستان مذهبی بخارا در زمان حکومت شیبانان مورد توجه قرار گیرد (Pugachenkova & Rempel, 1965: 341). در این گورستان، به‌غیر از مزار ابوبکر سعد نصر بخاری، قبور چندین تن از اعضای خاندان جویباری نیز قرار داشته است. این خاندان که از پیشوایان طریقت نقشبندیه در بخارا محسوب می‌شدند، در زمان حکومت



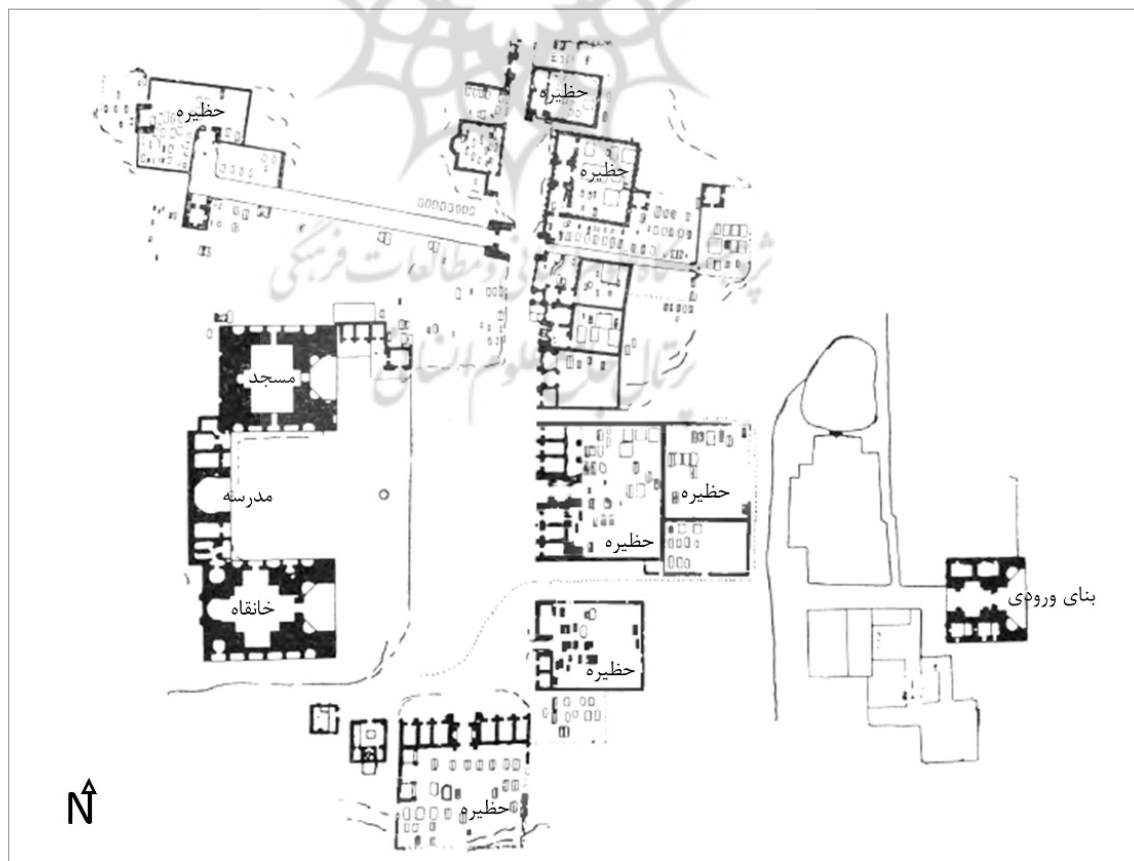
شکل ۹. تصاویر قدیمی از مجموعه آنو (Pugachenkova, 1976 B)

جهت آن که آن حضرت در رفتن و آمدن در سایه باشد.» (بخارایی، ۱۹۸۹: ۱۲۳)

مجموعه چهاربکر متشکل بوده از سه بنای مدرسه، خانقاه و مسجد که دورتادور آن با باغ‌ها و حظیره‌های متعلق به خاندان جویباری محاصره شده، به‌صورتی که مزارات وابستگان این خاندان، کلیت مجموعه را فرا می‌گرفته است (Pugachenkova & Rempel, 1965: 341). نکته مهم در طراحی این مجموعه، استقرار خانقاه در سمت چپ و مسجد در سمت راست است به‌گونه‌ای که همراه با ساختار طاق میانی، یک جلوخان بزرگ را تشکیل می‌داده‌اند. همچون صحن میانی مجموعه آنو، نمای بیرونی صحن چهاربکر نیز به‌وسیله ایوانچه‌های دوطبقه‌ای تعریف می‌شده است. چنین ایوانچه‌هایی علاوه بر استقرار بر روی نمای بیرونی خانقاه و مدرسه، بر دو سوی طاق میانی مجموعه نیز قرار داشته و به‌عنوان حجره‌های مدرسه کاربرد داشته‌اند. در واقع محوطه صحن به‌همراه طاق‌نمای کور میانی مجموعه، کاربری مدرسه چهاربکر را داشته است. (Sharipov, 1996: 135-136; McChesney, 1987: 221). در این مجموعه، برخلاف دو مجموعه پیشین، در آگاه‌های عظیم خانقاه و مدرسه، نه روبه‌روی یکدیگر، بلکه

عبدالله شیبانی (۹۹۱ تا ۱۰۰۶ ه.ق.)، قدرت بسیاری می‌یابند، به‌صورتی که خان از یک علاوه بر ساخت مجموعه چهاربکر بر مزار درگذشتگان این خاندان، دستور احداث خیابانی را هم می‌دهد که از محله ریگستان بخارا آغاز می‌شده است. این خیابان، ضمن گذر از زمین‌های متعلق به این خاندان و همین‌طور مجموعه قاش مدرسه، به این گورستان و مجموعه واقع در آن، منتهی می‌شده است (Schwarz, 1996: 82; Gangler et al., 2004: 113).

"حافظ تنیش بخارایی" (قرن دهم و یازدهم ه.ق.)، دربارهٔ احداث این مجموعه چنین گزارش داده است: «بر سر مزار فیاض‌الانوار امام ابوبکر سعد که جد اعلی آن مقتدای انام است عمارات عالی‌ه از خانقاه و مسجد و مدرسه بنا فرماید و اطراف آن را با انواع باغات دلکش [...] آرایش نماید [...] صحن صفت فضای آن که چون فضای همت کریمان پهناور است با انواع اشجار [...] آراسته گردانیدند و در میان آن حوضی کوثرمثال [...] به ظهور رسانیدند [...] بر طرف شمال مزار [...] حضرت کامکار چهارباغی رشک خلد برین [...] قرارداد] از درب شهر تا در باغ. تخمیناً یک فرسخ باشد بر دو کنار را دو جوی روان گردانیدند و بر اطراف آن درخت بید نشانیدند



شکل ۱۰. مجموعه چهاربکر در حومه بخارا (Pugachenkova & Rempel, 1965: 343)، اصلاح پلان توسط (نگارنده، ۱۴۰۳)

مجموعه به چهاربکر معروف شده است (Gangler et al., 2004: 113) (شکل ۱۱).

نگاهی به دو نمونه متأخر از عصر اشترخانیان ازبک:

تبعیت از فرم جلوخان در طراحی مجموعه‌های معماری، به دوره تیموری و شیانی و منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ منحصر نبوده است. به نمونه‌های متعددی می‌توان اشاره کرد که هم‌زمان با دوره تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر، در دوران حکومت صفویان تا قاجاریان در ایران ساخته شده‌اند. به دلیل اینکه اشاره به تمامی این نمونه‌ها هم از لحاظ تاریخی و هم جغرافیایی از حوزه این بحث خارج است، به منظور تکمیل سیر تحول مجموعه‌های ساخته‌شده به شیوه جلوخان، بسیار مختصر به دو نمونه متأخر که در عهد اشترخانیان در منطقه ماوراءالنهر احداث شده‌اند، اشاره می‌شود.

با سقوط دودمان شیانیان، سال ۱۰۰۷ ه.ق، تیره‌ای دیگر از ازبکان با عنوان اشترخانیان به قدرت رسیدند و تا سال ۱۱۹۹ ه.ق. قدرت را در بیشترین نقاط ماوراءالنهر و قسمت‌هایی از خراسان بزرگ در دست داشتند. ساختار معماری در این دوره نیز، از ساختار معماری دو عصر پیشین، تیموریان و شیانیان، پیروی می‌کرده است (بلر، ۱۳۷۶: ۱۰۲). اولین مجموعه، با نام لب‌حوض دیوان‌بیگی در شهر بخارا، پایتخت ازبکان، قرار داشته است. این مجموعه مشتمل بر خانقاه و مدرسه دیوان‌بیگی (۱۰۲۹ ه.ق.) بوده که به بنای پیشین مدرسه کوکلتاش (۹۷۷ ه.ق.) که در عهد شیانیان احداث شده، ملحق شده است (Gangler et al., 2004: 114).

به صورت جفت و هم‌راستا با جهت طاق میانی، احداث شده و همگی روی به مشرق دارند (McChesney, 1987: 221). یکی از ویژگی‌های مهمی که این مجموعه را با دو مجموعه پیشین در دوره تیموری متفاوت ساخته، تعریف درآیگاه دواشکوبه باشکوهی است که تقریباً کمی پایین‌تر از طاق اصلی و در قسمت ورودی مجموعه قرار داشته است (بلر، ۱۳۷۶: ۱۰۵). همچنین، استقرار محوطه چندین حظیره در جهت جنوبی، شرقی و شمال شرقی مجموعه، طی سال‌های بعد، سبب شده که کلیت مجموعه که بدنه آن توسط حظیره‌ها و ساختمان‌های مذهبی تعریف می‌شده است، به ساختار میدانی نزدیک شود. با وجود شکل‌گیری یک میدان در اطراف مجموعه، ساختار جلوخان‌دار ساختمان‌های چهاربکر همچنان به عنوان محور اصلی مجموعه مطرح بوده است؛ می‌توان مشاهده کرد که با وجود تبدیل فرم اولیه، این ساختار همچنان بر کلیت مجموعه، مسلط است. به غیر از موارد بیان شده، در شمال مجموعه نیز چهارباغی به دستور عبدالله‌خان احداث شده است که در طول دوره شیانی با ساخت باغ‌های دیگر دورتادور مجموعه، کلیت محوطه چهاربکر را در بر می‌گرفته‌اند (McChesney, 1987: 221). بلر معتقد است، نام مجموعه حاصل ترکیب نام این چهارباغ با نام امام ابوبکر بخاری است (بلر، ۱۳۷۶: ۱۰۵). از طرف دیگر، "گنگلر و همکاران" معتقدند براساس باور مردمان بخارا علاوه بر امام ابوبکر بخاری، سه تن دیگر از اعضای مهم خاندان جویباری نیز در این مجموعه دفن شده‌اند. آن‌ها بکر یا ابوبکر نام داشته‌اند و از این منظر،



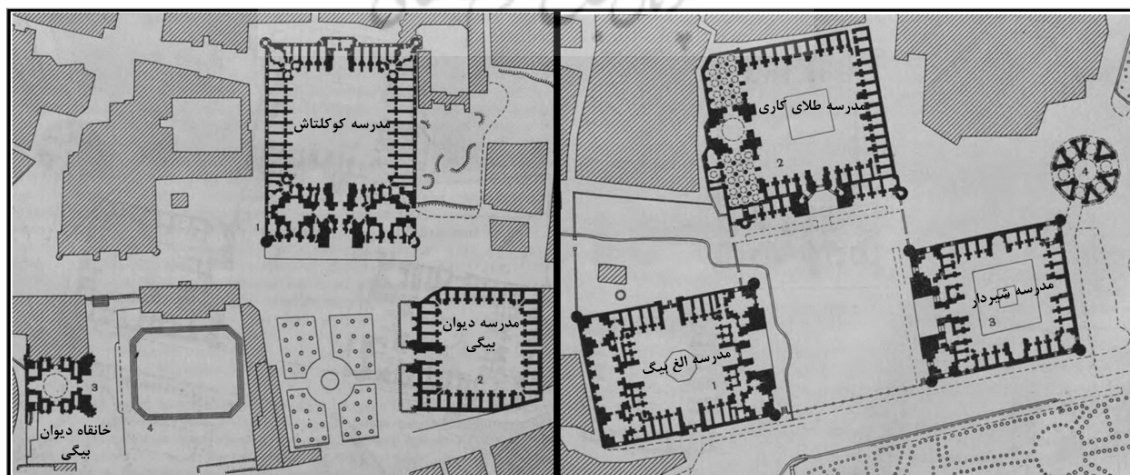
شکل ۱۱. تصویر مجموعه چهاربکر از جهت شرقی (Pugachenkova & Rempel, 1965: 648)

مجموعه‌های جلوخان دار قاش: شاخصه مهم در طراحی مجموعه‌های جلوخان دار همانند سلطان سعادت، آنو، لب حوض و ریگستان، رعایت اصل قاش‌سازی میان دو بنای مجموعه است. در این مجموعه‌ها، بنای اصلی در محور مجموعه و در پس دو بنای قاش‌سازی شده، قرار گرفته است. سنت ساخت مجموعه‌های معماری براساس ساختار قاش، قدمت زیادی در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ دارد. از دورهٔ قراخانیان در قرن پنجم و ششم ه.ق. تا دورهٔ اشترانیان از یک تا قرن دوازدهم ه.ق.، نمونه‌های متعددی از مجموعه‌هایی می‌توان یافت که براساس این فرم ساخته شده‌اند (گرکانی دشته و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۲-۲۰۰). مجموعه گورمیر نیز که آن را می‌توان از اولین نمونه‌های شاخص در شکل‌گیری مجموعه‌های جلوخان دار مطرح کرد، در ابتدا به‌صورت قاش ساخته، پس از آن، بنای مقبره در محور مقابل دو بنای پیشین احداث شده است. با احداث درآیگاه سال ۸۲۸ ه.ق. است که کلیت مجموعه از فرم جلوخان به ساختار چهارایوانی تبدیل شده است (McChesney, 2021: 43). مجموعهٔ جلوخان بازار سمرقند نیز با قاش‌سازی دو بنای مدرسهٔ سرای ملک و مسجد بی‌بی‌خانم، کامل شده است. معماران تیموری فارغ از حضور دروازه‌فولاد در مقابل درآیگاه بازار، با احداث این دو بنا، به‌صورت قاش، بر اهمیت این درآیگاه تأکید کرده‌اند. در مجموعهٔ سلطان سعادت، فرم ابتدایی مسجد-مقبره با اضافه شدن بنای دو مقبره در مقابل آن به‌شکل قاش، کامل شده است. پس از آن است که سایر بناها در امتداد دو بنای مقبره به‌صورت جفت‌سازی، امتداد یافته‌اند. همین روند در مجموعهٔ لب حوض دیوان بیگی نیز دیده می‌شود. مدرسهٔ کوکلتاش در این مجموعه، قدمتی بیشتر از دو بنای دیگر دارد. کلیت مجموعه با اضافه شدن این دو بنا به‌صورت

این محوطه، مدرسهٔ کوکلتاش در محور مجموعه قرار داشته و مدرسه و خانقاه دیوان بیگی به‌صورت قاش در برابر آن، ساخته شده‌اند (Pugachenkova & Rempel, 1965: 340). نکتهٔ قابل توجه، فاصلهٔ قرارگیری سه بنا از یکدیگر است. در این مجموعه، برخلاف مجموعه‌های پیشین و در مشابهت با مجموعهٔ مقابل دروازه‌فولاد، سه بنا با فاصله به‌نسبت زیاد و مستقل از یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ هیچ اتصالی که پیوستگی ساختاری میان ابنیه مجموعه ایجاد کند، به چشم نمی‌خورد. نمونهٔ بعدی، مجموعه ریگستان در سمرقند است که بر جای یک مجموعهٔ پیشین عصر تیموری، احداث شده است. در این مجموعه، مدرسهٔ طلای کاری (۱۰۶۸ ه.ق.) در محور اصلی احداث شده و دو بنای مدرسه الغ بیگ (۸۲۰ ه.ق.) و مدرسه شیردار (۱۰۲۸ ه.ق.)، به‌صورت جفت، مقابل آن قرار دارند (Pugachenkova & Rempel, 1965: 268-269). همانند مجموعهٔ لب حوض، کلیت مجموعهٔ ریگستان نیز در چندین دوره تکمیل شده است. مجموعه از ابتدا براساس ساختار جلوخان دار طراحی نشده است. همچنین همانند مجموعه‌های لب حوض دیوان بیگی و همین‌طور محوطهٔ مقابل دروازه‌فولاد، کلیت بناهای مجموعه، با فاصله از یکدیگر احداث شده، به‌گونه‌ای که پیوستگی ساختاری ندارند (شکل ۱۲).

تحلیل و جمع‌بندی

مجموعه‌های جلوخان دار را با توجه به نمونه‌های ذکر شده، می‌توان به دو دستهٔ کلی از لحاظ ساختار استقرار ابنیه نسبت به بنای مرکزی، تقسیم کرد. بر مبنای همین نسبت استقرار ابنیه است که می‌توان تا اندازه‌ای به چرایی و ریشه‌های شکل‌گیری این ساختار، پی برد.



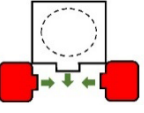
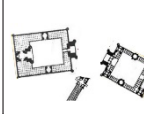
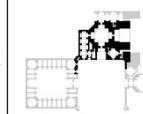
شکل ۱۲. مجموعه ریگستان در سمت راست و مجموعه لب حوض دیوان بیگی در سمت چپ (Pugachenkova & Rempel, 1965: 339-340)

می‌شده است. در دو مجموعه گورمیر و دروازه فولاد، تحول از یک ساختار قاش به چهارایوانی، قابل پیگیری است. این سیر تحول در مجموعه‌های دیگر در همان حالت جلوبان، متوقف شده است. می‌توان فرض کرد که معماران به دلیل موقعیت قرارگیری مجموعه در فضای شهری، نساختن درآیگاه را به عنوان بنای چهارم، در تقویت حس دعوت کنندگی مجموعه مؤثرتر دانسته‌اند. با این همه، اثبات این فرضیه به بررسی‌های بیشتری نیاز دارد که می‌بایست در پژوهش‌های بعدی پیگیری شود. در نهایت می‌توان اضافه کرد مجموعه‌های جلوبان دار در سبک قاش، قابلیت گسترش داشتند. این قابلیت گسترش را با توجه به سه نمونه گسترش یافته، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، مجموعه‌های جلوبان دار در سبک قاش است که با اضافه شدن بنای چهارم، به حالت یک مجموعه چهارایوانی تکامل یافته‌اند. نمونه‌های این تحول همان طور که ذکر شد، مجموعه‌های گورمیر و دروازه فولاد سمرقند است. دسته دوم، مجموعه‌های جلوبان دار در سبک قاش است که با اضافه شدن ردیفی از ابنیه به صورت جفت، در راستای دو بنای قاش، گسترش یافته‌اند. در این حالت، مجموعه به صورت یک مجموعه مبتنی بر محور خطی، متحول شده است. مهم‌ترین نمونه از این دست، مجموعه سلطان سعادت است (جدول‌های ۱ و ۳).

قاش در پیشگاه مدرسه کولتاش، شکل گرفته است. نمونه جالب در این میان، مجموعه ریگستان است. در این مجموعه، در ابتدای امر مدرسه شیردار به صورت قاش روبه روی مدرسه کهن الغ بیگ ساخته شده است. پس از آن است که بنای سوم، به کلیت مجموعه الحاق شده است. مورد استثنایی در میان مجموعه‌های یادشده، مجموعه آنو است که به نظر می‌آید از ابتدا براساس یک نقشه مشخص طراحی و احداث شده است. پیوستگی ساختار و هماهنگی بناها از نظر طراحی و تزیینات، مجموعه آنو را به عنوان شاخص‌ترین مجموعه جلوبان دار در سبک قاش، مطرح می‌سازد.

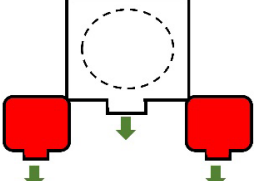
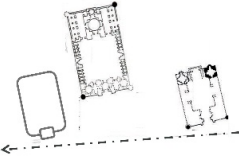
همچنین می‌بایست اشاره کرد که مجموعه‌های جلوبان دار در سبک قاش شباهت بسیاری به ساختار مجموعه‌های چهارایوانی داشته‌اند. این مجموعه‌ها عمدتاً تدریجی و طی چندین دوره، تکمیل شده‌اند. توسعه این مجموعه‌ها بدین صورت بوده که یا از ابتدا مجموعه به شکل دو بنای قاش طراحی می‌شده، بنای سوم به کلیت آن افزوده و ساختار جلوبان تعریف می‌شده است، و یا دو بنا به صورت قاش در مقابل یک بنای پیشین، احداث می‌شده و همان ساختار را تشکیل می‌داده‌اند. تداوم این روند و اضافه شدن بنای چهارم، در نهایت به تشکیل یک مجموعه با ساختار چهارایوانی منجر

جدول ۱. مقایسه الگوهای مجموعه‌های جلوبان دار سبک قاش

الگوی مشترک	نام مجموعه					
	ریگستان Pugachenkova & Rempel (۱۹۶۵: ۲۶۹-۲۶۸)	لب حوض دیوان بیگی Pugachenkova & Rempel, (1965: 340)	آنو (Pugachenkova, 1976 B: 61)	سلطان سعادت (Pugachenkova, 1976 A: 41-52)	جلوبان بازار سمرقند (Paskalevna, ۸۵: ۲۰۱۲)	گورمیر (McChesney, 2021: 20)
						

(نگارنده، ۱۴۰۳)

جدول ۲. مقایسه الگوهای مجموعه‌های جلوبان دار سبک جفت

الگوی مشترک	نام مجموعه	
	چهاربکر (Pugachenkova & Rempel, 1965: 343)	گوهرشاد و مدرسه فیروزشاه (Franke et al., 2020: 94)
		

(نگارنده، ۱۴۰۳)

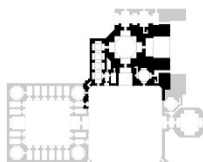
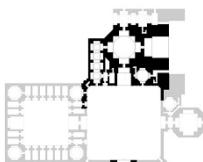
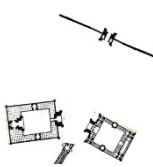
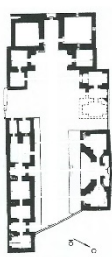
فیروزشاه را می‌توان به اندازه اهمیت و جایگاه بنا در ردیف ابنیه خیابان هرات، نسبت داد. جفت‌سازی دو بنای مهم که با فاصله‌ای اندک در دو سوی مسجد قرار داشته‌اند، به همراه عقب رفتن بنای مسجد از کنار گذر، حس دعوت‌کنندگی را بیش‌ازپیش، تقویت کرده است. می‌توان فرض کرد که در پیشگاه این محوطه که همچون میدانچه کوچکی بوده، سازه‌های دیگری مثل حوض قرار داشته و در آینه مسجد با عظمتی دوچندان نسبت به دو بنای جانبی، بر این پیشگاه، سایه می‌افکنده است (Franke et al., 2020: 94). به دلیل نبود مستندات باستان‌شناسی، نمی‌توان به صراحت درباره نحوه طراحی جلوخان مسجد گوهرشاد در زمان آبادانی نظر داد. تمامی موارد ذکرشده در حد یک فرضیه است. با این همه، نحوه طراحی مجموعه چهاربکر که شباهت زیادی به نحوه عقب‌نشینی بناهای جفت‌سازی‌شده در کنار گذر داشته، تنها نمونه‌ای است که مشابه با مجموعه‌های ذکرشده، احداث شده است. این مجموعه، برخلاف مجموعه‌های جلوخان دار در سبک قاش، متشکل از سه بنای جفت بوده که بنای مرکزی نسبت به دو بنای جانبی، عقب‌نشسته و فضای میانی وسیعی را شکل داده است. برخلاف جلوخان مسجد گوهرشاد و همین‌طور مقبره شماره ۱۷ در شاه زنده، تاحدودی مشابه با طراحی جلوخان مقبره شماره ۲۵ در همان مجموعه، معماران پیوستگی ساختاری را میان سه بنای مجموعه رعایت کرده‌اند. به‌صورتی که کلیت مجموعه، همانند مجموعه آنو، کلی یکپارچه را تعریف کرده که در عین حال، کاربری مستقل از یکدیگر داشته‌اند. علاوه بر این، چهاربکر نیز همچون آنو در یک زمان و با یک طرح از پیش مشخص احداث شده و برخلاف مجموعه‌های جلوخان دار دیگر، تحول و شکل‌گیری آن، تدریجی انجام نگرفته است.

می‌توان گفت که مجموعه چهاربکر در میان سایر مجموعه‌های جلوخان دار، یک مورد کاملاً استثنایی محسوب می‌شود. این مجموعه برخلاف جلوخان‌های جفت پیشین، مستقل ساخته شده و در ساخت آن برخلاف مجموعه‌های جلوخان دار قاش از فرم قاش و یا حیاط‌های چهارایوانی، تبعیت نشده است. ساختار این مجموعه، شباهت نزدیکی به فرم جلوخان‌های احداث‌شده در بناها و مجموعه‌های عهد صفوی، همانند جلوخان سردر بازار قیصریه اصفهان (۱۰۲۹ ه.ق.) دارد؛ و می‌تواند گویای تأثیراتی احتمالی باشد که معماری ایران در عهد صفوی بر معماری ازبکان، گذاشته بوده است. با این همه روشن شدن این فرضیه، نیازمند پژوهش‌های تکمیلی است (جدول‌های ۲ و ۳).

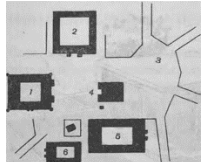
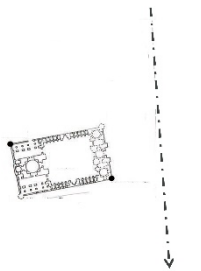
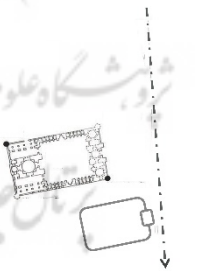
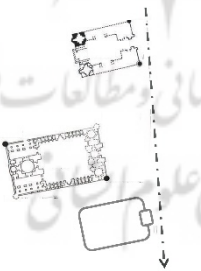
مجموعه‌های جلوخان دار جفت: شکل‌گیری مجموعه‌های جلوخان دار جفت را می‌بایست مبتنی بر عقب‌نشینی یک بنا از محور اصلی، دانست. از میان مجموعه‌های با ساختار جلوخان تنها به یک مجموعه مستقل می‌توان اشاره کرد که به صورت کامل و بر مبنای ساختار جفت‌سازی احداث شده و آن، مجموعه چهاربکر است. سایر مجموعه‌های احداث‌شده به شیوه جلوخان دار، همان‌طور که گفته شد، عمدتاً به صورت قاش احداث شده‌اند.

ساختار اولیه مجموعه‌های جلوخان دار به صورت جفت، عمدتاً با عقب‌نشینی یک بنا از لبه گذر یا خیابان، شکل گرفته است. از آنجایی که اجرای این ساختار در دل مجموعه‌های بزرگ‌تری همچون خیابان‌ها و یا مجموعه‌های بزرگ، مشتمل بر یک محور خطی قابل اجرا بوده است، این ابنیه همچون مجموعه‌های جلوخان دار قاش، حالت مستقل نداشته و در دل مجموعه‌های شهری و یا در امتداد خیابان‌ها، واقع می‌شده‌اند. در مجموعه شاه زنده سمرقند، در ردیف مقابر، عقب‌نشینی دو مقبره از محور اصلی، جلوخان کم‌عمقی را در پیشگاه بنا ایجاد کرده است. این ترفند علاوه بر ایجاد فضای مکث و دعوت در طول مسیر، به القای حس عظمت و تقویت جنبه اهمیت دو مقبره، کمک کرده است. از نحوه استقرار بنای مقبره شماره ۲۵ در راهروی غربی - شرقی که همانند سلطان سعادت، در زمان حکمرانی سلطان خلیل (۸۰۹-۸۰۷ ه.ق.) احداث شده، مشخص است که معماران، برای استقرار این بنا در کنار گذر، طرحی از پیش اندیشیده، داشته‌اند. این بنا برخلاف سایر مقابر مجموعه، فاصله به نسبت زیادی با دو بنای جانبی، داشته است. طراحان بنا، این فاصله را با ساخت دو دیوار مزین به کاشی پر کرده، پس از آن، با عقب بردن در آینه ورودی نسبت به کناره گذر، به طرز هوشمندانه‌ای هم‌زمان حس انتظار و دعوت‌کنندگی را به رهگذران القا کرده‌اند (Nemtseva, 1964: 133-134). همین ترفند، در ساخت بنای شماره ۱۷ در راهروی شمالی - جنوبی نیز دیده می‌شود. با این تفاوت که در دو سوی این مقبره عقب‌نشسته از کنار راه، یک مقبره و مسجد به صورت جفت قرار داشته‌اند (Nemtseva, 1977: 66-67; Atahodjaev, 2006: 46). به دلیل ناشناخته بودن صاحبان این مقبره‌ها، نمی‌توان به طور صریح بیان کرد، آیا اهمیت صاحبان مقبره‌ها در این شیوه طراحی مؤثر بوده‌اند و یا علل دیگری، معماران را به این سبک از طراحی ترغیب کرده است. با این حال، نحوه عقب‌نشینی مسجد گوهرشاد هرات از لبه محور خیابان، نسبت به دو بنای مدرسه گوهرشاد و مدرسه

جدول ۳. روند ساخت‌وساز و تکامل مجموعه‌های جلوخان دار سبک قاش و جفت

مجموعه گور میر					
(McChesney, 2021: 20)	سیر تطور	۸۰۳ ه.ق.	۸۰۷ ه.ق.	۸۲۸ ه.ق.	
	پلان				
مجموعه جلوخان بازار سمرقند					
(Paskalevna, 2012: 85)	سیر تطور	پیش از سال ۸۰۰ ه.ق.	سال ۸۰۰ ه.ق.	سال ۸۰۸ ه.ق.	سال ۸۰۸ ه.ق.
	پلان مجموعه				
مجموعه سلطان سعادت					
(Pugachenkova, 1976 A: 41-52)	سیر تطور	قرن ۴ ه.ق. و سال ۸۰۹ ه.ق.	نیمه دوم قرن ۹ ه.ق.	نیمه دوم قرن ۹ ه.ق.	قرن ۱۰ و ۱۱ ه.ق.
	پلان مجموعه				
مجموعه آنو					
(Pugachenkova, 1976 B: 61)	سیر تطور	سال ۸۶۰ ه.ق.			
	پلان مجموعه				

ادامه جدول ۳. روند ساخت و ساز و تکامل مجموعه‌های جلوخان دار سبک قاش و جفت

مجموعه لب حوضِ دیوان بیگی					
سیر تطور	سال ۹۷۷ ه.ق.	سال ۱۰۲۹ ه.ق.			(Pugachenkova & Rempel, 1965: 340)
					
مجموعه ریگستان					
سیر تطور	قرن ۹ ه.ق.	قرن ۱۰ ه.ق.	سال ۱۰۲۸ ه.ق.	سال ۱۰۶۸ ه.ق.	(Pugachenkova & Rempel, 1965: 268-269).
					
مجموعهٔ گوهرشاد و مدرسهٔ فیروزشاه					
سیر تطور	سال ۸۳۰ ه.ق.	سال ۸۳۸ ه.ق.	سال ۸۴۱ ه.ق.		(Allen, 1983: 73-74; Franke et al, 2020: 94)
					
مجموعه چهاربکر					
سیر تطور	سال ۹۶۶ ه.ق.				(Pugachenkova & Rempel, 1965: 343)
					

(نگارنده، ۱۴۰۳)

نتیجه‌گیری

مجموعه‌های جلوخان‌دار را می‌توان گونه‌ای از مجموعه‌سازی محسوب کرد که ساخت آن‌ها از دوره تیموری فراگیر شده است. این شکل از مجموعه‌سازی را می‌توان طی دوران تیموریان، ازبکان شیپانی و اشترخانی در دو منطقهٔ ماوراءالنهر و خراسان بزرگ در دو سبک مشخص، دسته‌بندی کرد. گونهٔ اول، مجموعه‌های جلوخان‌دار سبک قاش است که فراوانی بسیاری در میان مجموعه‌های جلوخان‌دار داشته است. به‌دلیل ریشه‌دار بودن ساخت مجموعه‌های مستقل به‌صورت قاش در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، پیروی از همین ساختار را می‌توان ریشهٔ اولیه شکل‌گیری مجموعه‌های جلوخان‌دار سبک قاش، مفروض داشت. به وجود آمدن این مجموعه‌ها، حاصل تحول بناهای قرینه‌ای بوده‌اند که به‌تدریج با اضافه شدن بنای سوم و یا برعکس، با اضافه شدن دو بنا به‌صورت قاش در مقابل بنای اولیهٔ پیشین، شکل گرفته‌اند. تکامل این سبک در بعضی از مجموعه‌ها در نهایت منجر به شکل‌گیری مجموعه‌های حیاط‌مرکزی چهارایوانی و یا مجموعه‌های متمرکز بر یک محور خطی، شده است. با این‌همه به‌غیر از بنای مجموعه آنو که کلیت آن در یک زمان و با طرحی ازپیش‌معین احداث شده و کلیت مجموعه با بدنه‌سازی مشخص، یک محوطهٔ Uمانند را تعریف کرده است، در سایر مجموعه‌های جلوخان‌دار قاش، پیوستگی ساختار میان ابنیهٔ مجموعه، دیده نمی‌شود. در این مجموعه‌ها، بناهای تشکیل‌دهندهٔ مجموعه بدون بدنه‌سازی و با فاصله از یکدیگر احداث شده‌اند. تنها وجه مشترک آن‌ها، نحوهٔ استقرار بناها نسبت به یکدیگر بوده که محوطهٔ میانی را به‌شکل U، تشکیل می‌داده است. دستهٔ دوم، مجموعه‌های جلوخان‌دار در سبک جفت است. ریشهٔ شکل‌گیری این مجموعه‌ها را می‌توان در عقب‌نشینی ابنیه از کنارهٔ گذر مجموعه‌ها و یا خیابان‌های شهری فرض کرد. این عقب‌نشینی که نمونه‌های اولیه آن در مجموعه شاه زنده و خیابان هرات قابل پیگیری است، کمتر به‌صورت مجموعه‌های مستقل اجرا شده است. تنها نمونهٔ مستقل در این سبک، مجموعه چهاربکر است. این مجموعه نیز همچون آنو در یک زمان، با طراحی مشخص و به‌صورت یک کلیت منجمسم، ساخته شده است. در مجموع از میان مجموعه‌های جلوخان‌دار بررسی‌شده، دو مجموعهٔ آنو و چهاربکر را می‌توان نمونه‌های کاملاً تکامل‌یافته در این سبک دانست که در پی توسعهٔ سبک مجموعه‌های جلوخان‌دار به‌صورت ازپیش طراحی‌شده، احداث شده‌اند. به همین دلیل، در شکل‌گیری نمونه‌های بعدی، مؤثر بوده‌اند. از آنجایی که تکامل مجموعه‌های جلوخان‌دار در سبک قاش به صورت تدریجی بوده است، می‌توان فرض کرد که بعضی از مجموعه‌های خطی و یا چهارایوانی امروز در منطقه‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، در دوره‌ای ساختار جلوخان‌دار را تجربه کرده‌اند. ریشه‌یابی این مجموعه‌ها و مطالعهٔ علل تحول آن‌ها از ساختار جلوخان‌دار به ساختار چهارایوانی و یا خطی، می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد. همچنین تأثیر و تأثرات احتمالی را که هر کدام از سبک‌های یادشده، به‌ویژه، جلوخان‌های سبک جفت در معماری عصر صفوی به بعد داشته‌اند، می‌توان مبنایی برای پژوهش‌های آینده مطرح کرد.

فهرست منابع

- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). *معماری تیموری در خراسان*. ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بخارایی، حافظ تنیش (۱۹۸۹). *شرف‌نامه شاهی تصویر از روی نسخه خطی سال ۱۰۶۵ ه.ق*. مسکو: نائوکا شعبه ادبیات شرق.
- بلر، شیلا (۱۳۷۶). *معماری و هنر در آسیای مرکزی در دوره ازبکان*. ترجمه اردشیر اشراقی، *ایران‌شناخت*، (۶): ۱۲۱-۱۰۰.
- بهشتی، سیدمحمد و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی، اصطلاحات و مفاهیم*. تهران: دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۲). *مآثرالملوک: به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون هما یونی*. تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- _____ (۱۳۸۳). بازارهای ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قاضی، جواد؛ خضری، سیداحمدرضا و عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۲). مقایسه ساختار و اجزای ورودی بناهای مذهبی و غیرمذهبی کاشان در دوره قاجار. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۴۶ (۲): ۲۳۵-۲۱۵.
- سمرقندی، محمدبدیع شریف ملیحا (۱۳۹۰). مذکر الاصحاب. تصحیح محمد تقوی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد رسمی مجلس شورای اسلامی.
- گرکانی دشته، شاهین؛ مرتضایی، محمد؛ فلاح، سیدعلی و اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل (۱۴۰۰). تحلیلی بر الگوی خیابان مزار در شهرسازی دوره تیموری براساس مدارک نوشتاری و باستان‌شناسی مجموعه‌های هرات، سمرقند و شهرسبز. مرمت و معماری/ایران، ۱۲ (۲۹)، ۳۳-۱۷.
- گرکانی دشته، شاهین؛ مرتضایی، محمد و اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل (۱۴۰۱). شاخصه‌های جفت‌سازی ابنیه در محور خیابان هرات (بررسی تطبیقی نمونه‌های جفت‌سازی در خیابان هرات و مجموعه‌های معماری ماوراءالنهر در دوران تیموری). پژوهش‌های باستان‌شناسی/ایران، ۲۸ (۱۱): ۲۱۷-۱۹۷.
- گلستانی، نفیسه؛ میری، سمیرا و مطلبی، قاسم (۱۳۹۵). جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل‌گیری و تقویت قرارگاه رفتاری (مقایسه تطبیقی نمونه موردی مسجد وکیل و مسجد الزهرا در شیراز). مدیریت شهری و روستایی، ۴۳: ۵۱۵-۵۳۴.
- گلمبک، لیزا (۱۳۶۴). دوره‌های ساختمانی مجموعه تاریخی تربت شیخ جام. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، اثر، (۱۰ و ۱۱): ۵۷-۱۶.
- گلمبک، لیزا و دونالد ویلبر (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه کرامت‌الله افسر و یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مخلص، محمدعلی (۱۳۸۵). جلوخان. دانشنامه جهان اسلام. جلد دهم، به کوشش غلامعلی حداد عادل، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۵۷۵-۵۷۳.
- محمدمرادی، اصغر و امیرکبیریان، آتس‌سا (۱۳۸۲). معرفی تعدادی از ابنیه سنتی معماری ایران و تحلیلی بر ویژگی‌های فضایی آن‌ها. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مهدوی‌پور، حسین؛ جعفری، رشید و سعادت، پوراندخت (۱۳۹۲). جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران. مسکن و محیط روستا، ۱۴۲: ۱۸-۳.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۷). جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه. ترجمه داود طبایی، گلستان هنر، (۱۴): ۸۲-۶۵.
- Allen, T. (1983). **Timurid Herat**. Tubinger: Tubinger Atlas.
- Atahodjaev, OH. (2006). Works of The Shahizinde Team in 2004. *Archaeological Researches in Uzbekistan - 2004-2005*, 1 (5). 40-46.
- Franke, U; Urban, T; Khairzade, K. M. (2020). The 'Musalla'-Complex in Herat Revisited: Recent Archaeological Investigations at the Gawhar Shad Madrasa, Drawing the Threads Together Studies. **Archaeology in Honour of Karin Bartl**, Ahrens A; Rokitta-Krumnow D; Bloch F; Bührig C. (Eds.). Zaphon: Münster. 91-142.
- Gangler, A. Heinz Gaube. H & Petruccioli, A. (2004). **Bukhara the eastern dome of Islam**. London: Axel menges.
- Golombek, L. & Koch, E. (2017). The Mughal, Uzbeks and The Timurid Legacy. **A companion to Islamic Art and Architecture**. Barry Flood F; Nesipuglu G. (Eds.). Oxford: John Wiley & Sons. 811-845.
- Hillenbrand, R. (2004). The Timurid Achievement in Architecture. **A survey of Persian Art from prehistoric times to the present**. Daneshvari, A (Ed.). Costa Mesa CA: Mazda publisher. 83-124.

- Mcchesney, R.D. (1987). Economic and Social Aspects of the Public Architecture of Bukhara. in the 1560's and 1570's. *Journal of Islamic Art* (2), 217-236.
- _____ . (2021). **Four Central Asian Shrines: A Socio-political History of Architecture**. Leiden: Brill.
- Maneov, S. B. (2015). Formation of Architectural Ensembles and Complexes of Historic Towns of Uzbekistan. *International Journal of Scientific & Technology Research*, (4). 109-112.
- Nemtseva, N.B. (1964). Low-Explore Mausoleum from The Ensemble of Shahi-Zinda, *История Материальной, Культуры Узбекистана*, 123-138.
- Nemtseva, N.B. (1977). The Origins and Architectural Development of the Shah-I Zinde, Translated, with additions, by J. M. Rogers and 'Adil Yasin, *IRAN Journal of the British Institute of Persian study* (15), 51-74.
- Paskalevna, E. P. (2012). The Bibi Khanum Mosque in Samarqand: Its Mongol and Timurid Architecture. *Silk road*, 10. 81-98.
- Pugachenkova, G. A. & Rempel, L. I. (1965). **History of Arts of Uzbekistan**. Tashkent: Iskusstvo.
- Pugachenkova, G. A. (1976 A). **Termez, Shakhrisabz, Khiva**. Moscow: Publishing House Art.
- Pugachenkova, G. A. (1976 B). **Architecture of Central Asia in the XV**. Tashkent: Publishing House of Literature and Art.
- Sharipov, N. H. (1996). Suburban Ensemble of Bukhara. **Bukhara: The Myth and the Architecture**. Petruccioli, A. (ed). Cambridge, Massachusetts: Aga Khan Program for Islamic Architecture.
- Schwarz, F. (1996). Bukhara and Its Hinterland: The Oasis of Bukhara in the Sixteenth Century in the Light of the Juybari Codex **Bukhara: The Myth and the Architecture**. Petruccioli, A. (ed). Cambridge, Massachusetts: Aga Khan Program for Islamic Architecture.





Received: 2022/05/03

Accepted: 2023/10/10

Architectural Complexes Built Based on the Jelo-khan Pattern During the Timurid, Shaybanid, and Ashtarkhanid Uzbek Eras (Case Studies: Sultan Sa'adat, Anau, and Chahar Bakr)

Shahin Gorkani Dashteh*

Abstract

Jelo-khan refers to a wide area in front of the entrance of buildings, and its use was very widespread from the Safavid era to the contemporary period. However, the formation and evolution of the Jelo-khan pattern cannot be limited solely to this period. This is because the evidence and remaining examples from the Timurid era indicate the presence of this pattern in the architecture of that period as well. Following the Jelo-khan pattern in the construction of architectural complexes in the regions of Transoxiana and Greater Khorasan after the Timurid period continued in the Shaybanid and Ashtarkhanid eras. This indicates the importance of the mentioned pattern in the design of architectural complexes in this geographical region and historical period. This research aims to explain the roots of the formation of this form of complex building, which has had an effective presence in Iranian architecture, by examining early examples as well as two prominent examples belonging to the Timurid era (Sultan Sa'adat and Anau complexes) and one example belonging to the Shaybanid period (Chahar Bakr complex), as well as other later examples in this geographical region. The questions that the present research seeks to answer are: What were the roots of the formation of Jelo-khan complexes in the regions of Transoxiana and Greater Khorasan during the Timurid and Shaybanid and Ashtarkhanid Uzbek eras? Based on the developments of Jelo-khan complexes in three eras: Timurid, Shaybanid, and Ashtarkhanid, into how many groups can these complexes be categorized in terms of the arrangement of buildings? This research has been conducted with an analytical-historical approach. The results indicate that Jelo-khan complexes can be divided into two main categories in terms of the arrangement of buildings: Qash-style Jelo-khan and Joft-style Jelo-khan. The roots of Qash-style Jelo-khans can be attributed to the Qash-building of two structures, which has a long history in the Transoxiana region. The root of Joft-style Jelo-khans can also be considered the result of buildings receding from the row of other buildings along passages in order to enhance the sense of invitation.

Keywords: Timurids, Shaybanids, Ashtarkhanids, Architectural complexes, Jelo-khan.

* PhD in Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
shaahin.dashteh@gmail.com